



کتابت

مجموع الدعوات

کتابت

چاپ کر اوری با تصحیح کامل

لاہور

۱۳۷۲ سنہ

۴

الرحيمه امراض

وأجيداتها لا تنان بما آفة الله به عرشه ومليكت يوم الرحمة
 والزلال ودر مردوس شيخ شهيداً آورده که کبير که در کس
 اشتداد داشته باشد بر قدح ابی جهل نوبت سوره حمد بخواند
 وان ابرار بر مرض پياشد و مکالی را کدم بر کند بسانل مستحق بد
 خود بد هدا و اورا امر کند بجهت او دعا کند تا عافيت يابد و خواندن
 هفتاد مرتبه حمد براي هر درد نافع است و در نسخه دفع دفع آورده
 که بمشک و زعفران نوشته و باب بشويد صاحب دريا شامل شفا
 يابد وان اين است بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله المبدك العظيم يا
 طهسها اياكها طهسها طهسها رجلا يا بحسها الفشا ليط يا هيط ايا شيا
 يا رهيا يا نهيا يا بحسها طهسها يا الفاشيا وصل الله على
 محمد وآله الطيبين ايضاً بزعفران بنويد و بشويد و يا شامل
 اللهم لا تقبلنا بصحت ولا نهلكا بعد ايتك و عافنا قبل ذلك
 اللهم لا تقبلنا بصحة و اعاملنا ولا تقبلنا عنكنا من كبر و حماة
 حصل مراد نا و تير امور نا بر حمت يا ارحم الراحمين ايضاً
 روايت کرده اند از ائمه دين بوساطه علماء تاجمعت پيغمبر هر کس
 مرضي در زمين واقع ميشد باين دعا استشفاء از ان مرض مبد است
 اند بضعه بخوانند و بضعه با خود نگاه مبد استند و بضعه تربت مقلد

۵

الرحيمه امراض

کتاب ميکرده اند باب محرده بخوردند شفا يافتند و لوقا و بابا
 شيرت به انجبال او قطعت بينا الارض اذکم به الموت بل لله الا
 جيعا و من يتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل
 الله ليکل شیء قدرًا فانله خير حافظا و هو ارحم الراحمين ذنير
 من القران ما هو شفاء و رحمة للؤمنين و صلى الله على محمد
 و آله الطاهرين و ايند عار ابر سر مرض بند و روايت بر قدح
 بنويد مرض بشويد و بخورد الله قدیم آذک که بزرگ و لا يزال
 يا ارحم الراحمين ايند عار ابر بيار بند يا من اسمد و آء و ذکره
 شفاء يا من يجعل الشفاء فيما يشاء من الاشياء صل على محمد
 و آل محمد و اجعل شفاني في هذا الداء في اينيك يا الله ده بار در
 بار يادت بعد يا ارحم الراحمين فصل سيم در بيان مداواي
 علل و امراض تربت مقدمه بخواند و بيار ازان بخورد و بعد کتر
 از خودی بسم الله الرحمن الرحيم اللهم جني هذه التربة المباركة
 الطاهرة المطهرة و جني الملك الذي هو خازنها و الملكة التي
 عليها و جني الوصي الذي وارثه و جني الذي هو موليون بگر بلاي
 لبه هذه التربة رزقا و ايسا و عينا ايقا و عقلا كاملا و قوما و اولادا
 و ذواتا في العيمل و شفاء من كل داء و امانا من كل خوف و خصم و امانا

من کل غایره و حفظا من کل سوء برحمتک یا ارحم الراحمین و صلوات
 علی محمد و آله و بحجه طلب علم و دست و زوی و صاحب و غیر نافع
 و در حدیث معبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که تربت را به
 قصد شفا خورد چنان است که گوشت را خورده و چون بقصد شفا خورد
 بگوید بسم الله و یا الله اللهم رب هذا التربة المبارکة و رب التوراة الذی
 ازل فیها و رب نجد الذی سکن فی ربت المملکة الموحدین و یا الله
 لیسفاه من کل داء و لیسفایک علی کل شیء قدیر و چون چنین گویند
 میشود آنچه در خود میباشد زرد و بیمار و نمواند و در روایت دیگر
 در وقت خوردن تربت این دعا بخوان بسم الله و یا الله اللهم صلوات
 و یا عا و علما یا صفا و شفا و من کل داء انت علی کل شیء قدیر اللهم رب
 هذه التربة المبارکة و رب الریح الذی وارثه صل علی محمد و آله
 تسبل هذا الطین شفا من کل کون داء بخر بر سیده طریق دیگر
 است که همین تربت مقدس را با مقدس زعفران باب بلدان و طب وان
 همچون ساخته ملا و نماید طریق دیگر که هفت خانه ازین تربت مستعمل
 که هر یک بقدر یک باشد هفت خانه سیاه راند و هفت قطره علی او ریخت
 کند و سوره حمد و معوذتین و آیه الکرسی و اول سوره حمد تا مرجع اول
 و آیه لوازل اما سوره حمد و این بخواند و استعمال نماید شفا یابد

من کل غایره و حفظا من کل سوء برحمتک یا ارحم الراحمین و صلوات
 علی محمد و آله و بحجه طلب علم و دست و زوی و صاحب و غیر نافع
 و در حدیث معبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که تربت را به
 قصد شفا خورد چنان است که گوشت را خورده و چون بقصد شفا خورد
 بگوید بسم الله و یا الله اللهم رب هذا التربة المبارکة و رب التوراة الذی
 ازل فیها و رب نجد الذی سکن فی ربت المملکة الموحدین و یا الله
 لیسفاه من کل داء و لیسفایک علی کل شیء قدیر و چون چنین گویند
 میشود آنچه در خود میباشد زرد و بیمار و نمواند و در روایت دیگر
 در وقت خوردن تربت این دعا بخوان بسم الله و یا الله اللهم صلوات
 و یا عا و علما یا صفا و شفا و من کل داء انت علی کل شیء قدیر اللهم رب
 هذه التربة المبارکة و رب الریح الذی وارثه صل علی محمد و آله
 تسبل هذا الطین شفا من کل کون داء بخر بر سیده طریق دیگر
 است که همین تربت مقدس را با مقدس زعفران باب بلدان و طب وان
 همچون ساخته ملا و نماید طریق دیگر که هفت خانه ازین تربت مستعمل
 که هر یک بقدر یک باشد هفت خانه سیاه راند و هفت قطره علی او ریخت
 کند و سوره حمد و معوذتین و آیه الکرسی و اول سوره حمد تا مرجع اول
 و آیه لوازل اما سوره حمد و این بخواند و استعمال نماید شفا یابد

من کل غایره و حفظا من کل سوء برحمتک یا ارحم الراحمین و صلوات
 علی محمد و آله و بحجه طلب علم و دست و زوی و صاحب و غیر نافع
 و در حدیث معبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که تربت را به
 قصد شفا خورد چنان است که گوشت را خورده و چون بقصد شفا خورد
 بگوید بسم الله و یا الله اللهم رب هذا التربة المبارکة و رب التوراة الذی
 ازل فیها و رب نجد الذی سکن فی ربت المملکة الموحدین و یا الله
 لیسفاه من کل داء و لیسفایک علی کل شیء قدیر و چون چنین گویند
 میشود آنچه در خود میباشد زرد و بیمار و نمواند و در روایت دیگر
 در وقت خوردن تربت این دعا بخوان بسم الله و یا الله اللهم صلوات
 و یا عا و علما یا صفا و شفا و من کل داء انت علی کل شیء قدیر اللهم رب
 هذه التربة المبارکة و رب الریح الذی وارثه صل علی محمد و آله
 تسبل هذا الطین شفا من کل کون داء بخر بر سیده طریق دیگر
 است که همین تربت مقدس را با مقدس زعفران باب بلدان و طب وان
 همچون ساخته ملا و نماید طریق دیگر که هفت خانه ازین تربت مستعمل
 که هر یک بقدر یک باشد هفت خانه سیاه راند و هفت قطره علی او ریخت
 کند و سوره حمد و معوذتین و آیه الکرسی و اول سوره حمد تا مرجع اول
 و آیه لوازل اما سوره حمد و این بخواند و استعمال نماید شفا یابد

فضل چهارم در بیان اعلی و اعلی و ارض تصدق دادن و فرمایند کردن در
 ان بدانکه صدقه دادن بلیت ارفع میکند علی و ارض را ایل میگرداند و در
 روزی میافزاید دعا سائل را در حق معطی اجابت میکند و احادیث بر طبق اینها
 زیاده از حد و حاصل شد است تا مستور دعا کردن در وقت صدقه بپایند
 چنانست که اول دعا بخواند و بعد از آن مؤذنه یکدینا شرعی که هلاک و نیم
 شغال است از طلا صدق کند بجهت بیشتر استحقاق که علوه نباشد
 مگر آنکه بی علوه باشد که در اینصورت مستحق علوه دادن ضرر ندارد و دعا
 بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی انشأت یا نعمت الذی محمد اذکرت به فمحل
 که المملکة و تسبعت و یا لایم القدوس القدیم و یا لایم الخیر المکرم
 و یا لایم الذی تهتیت به لفسک و یا لایم الذی هو مکتوب علی سوادق
 العرش و یا لایم الاکبر الاکبر و یا لایم الاعظم الاعظم الجب
 تمکوت السموات و الارض و یا لایم الذی من به یخضر علی الماء قلتم
 تسبل قدما و یا لایم الذی کتبت به ضرب آتوب و یا لایم الذی
 و قبت لری یا یحیی ان کتبت من المری الذی انانیه آحاط بر یقین
 فرمایند کردن این است بجهت بیلا گو سفند بگرد به نیت فرمایند بپایند
 و سه نوبت این دعا بخواند و در دهان گو سفند بد ملد در حین ریح نیز
 بخواند اللهم انی هدیتک و کرمک و صل الی وانا

من کل غایره و حفظا من کل سوء برحمتک یا ارحم الراحمین و صلوات
 علی محمد و آله و بحجه طلب علم و دست و زوی و صاحب و غیر نافع
 و در حدیث معبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که تربت را به
 قصد شفا خورد چنان است که گوشت را خورده و چون بقصد شفا خورد
 بگوید بسم الله و یا الله اللهم رب هذا التربة المبارکة و رب التوراة الذی
 ازل فیها و رب نجد الذی سکن فی ربت المملکة الموحدین و یا الله
 لیسفاه من کل داء و لیسفایک علی کل شیء قدیر و چون چنین گویند
 میشود آنچه در خود میباشد زرد و بیمار و نمواند و در روایت دیگر
 در وقت خوردن تربت این دعا بخوان بسم الله و یا الله اللهم صلوات
 و یا عا و علما یا صفا و شفا و من کل داء انت علی کل شیء قدیر اللهم رب
 هذه التربة المبارکة و رب الریح الذی وارثه صل علی محمد و آله
 تسبل هذا الطین شفا من کل کون داء بخر بر سیده طریق دیگر
 است که همین تربت مقدس را با مقدس زعفران باب بلدان و طب وان
 همچون ساخته ملا و نماید طریق دیگر که هفت خانه ازین تربت مستعمل
 که هر یک بقدر یک باشد هفت خانه سیاه راند و هفت قطره علی او ریخت
 کند و سوره حمد و معوذتین و آیه الکرسی و اول سوره حمد تا مرجع اول
 و آیه لوازل اما سوره حمد و این بخواند و استعمال نماید شفا یابد

انذرها بعبارة فلان بن فلان اللهم ان هذه فداؤه...
اللهم قبل فتيحة كانت قبلت من جليلك علي السلام حين فدا لوليه ليفعل
تجرمه محمد رسول الله والي الامر ان هذا لك فداؤه فقبله مني وبعد
مرتبه بگوید الله اكبر بعد نبي الله الرحمن الرحيم وبع کندر محل خا
که مستف باشد خون او در کوره بریزند که مردمان پاتهند و سرگین
او را در خاک کنند و دست و پا به او از پوست جدا کنند چنانکه پوست
و دست و پای چاره باشد آنچه در شکم یکپارچه بیرون آورند که
از هم جدا شده باشد گوشت او را بجای هفت پارچه کنند در میان
پوست کنند هر یک پاره را بنیت فقیر و مسکین بیرون آورند چنانکه
نیت او بیرون آورده دهد تا تمام شود انشاء الله شفا یابد فصل پنجم
در دهن و دوا در مفاصل و جمع در دهن و دوا در مفاصل و جمع در دهن و دوا
شخصی بجز تمام تحت باقره شکایت کرد از درد مفاصل فرمود که ایند علائم
اللهم ان اسئلك بانهمك وبركائك ودعوتك بتيتك الظاهر التي اليك
الملكين عنك صل الله عليه والرحمن النبي فاطمة الباركة وبعي
امير المؤمنين عليه السلام وبعي سيد شباب اهل الجنة اذ قلت عن
ما اجعل بقره يا لاله العالمين چون ايند عار او اندر ساعت فدا ساکن
شد و در کار مکرم آورده که بجمع الام و اسقام بنویسد بر کاغذ و بر

نقل نماید در دبا کلیه زایل گردد انتم
نقل نماید در دبا کلیه زایل گردد انتم
نقل نماید در دبا کلیه زایل گردد انتم

بند شفا یابد و یا بحق ازلناه و یا بحق نزل و ما ارسلناك الا مبرا و
نذیرا و نزل من القران ما هو شفاء و رحمة للؤمنين و ما تجد الا رسول
قد حلت من قبلة الرسل ا فان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم و
من یقلب على عقبه و امنوا بما نزل على محمد و هو الحق من ربهم كفر
عنهم یتناهم و اصلح بالهم ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن
رسول الله و خاتم النبيين و الذين معه اشداء على الکفار و حقا بینهم
تربوا ثم دعوا لئلا یقتولون فضلا من الله و رضوانا لئلا یحزنهم
من امر التجود ذلک مثلکم في التوریه و مثلکم في الانجیل کریم اخرج
شفا و بعث رسول یأمن من بعد انتم اجد قلنا جانا بالبنات
فالوا هذا یخبر من و لو ان قرانا نیرت به الحال او قطعت به الارض
او کلیم به الکرن بل الله الامر جمیعا الملك لله الواحد القهار پس گوید
لینم الله المکتوب على ساق العرش و از خواص انجیر و فستق که همه جمع
در دهن بدن بلخورد دارد **ح ح ح ط ک ل م ن د س ص ه ی**
ایضا بجهت ضربان از درد سه مفاصل این اشکال دبا کاغذ یاورد
نوشته بر موضع درد دهند هر گاه درد بعضو دیگر کند نوشته دبا مخرج
نقل نماید در دبا کلیه زایل گردد انتم

ت ت ت ت ت	ت ت ت ت ت
ع ه ت	ع ه ت
ت ت ت	ت ت ت

نقل نماید در دبا کلیه زایل گردد انتم
نقل نماید در دبا کلیه زایل گردد انتم
نقل نماید در دبا کلیه زایل گردد انتم

این میسر در خواص خود ذکر کرده که آب ترخون و در لویانه تر و شربت کادی منع آبله و حصه میکند اما اگر آبله در چشم افتد این آید و برگشتن پانسیا نمک خواند و در آب اندازد تمی و نیت و وارهی و وارهی و آنگاه همی ذجره واحده تکفنا عنک عظامک و کبصرت الیوم حله یزید کت فادری آیتب انسان آن یتزک سدی الیک نطقه من مینه یعنی بقدره الله تم بر طرف شود فضلال و غیره تمامه او دفع در قل و فرجه و جرات شور و جراح و جرب نام و مانند آن در حرکت صحیح منقول است از حضرت امام جعفر صادق که هیچکس از بنیاد نیست مگر آنکه او را دور کند در بدن میباشد یکی در سهات که خوراجی که میاورد یکی دیگر در بدنت که پستی را در حرکت در میاورد پس چون در سحر حرکت میاید حق تعالی دکام در او مسلط میگردد و آنکه در دهان سر رامیکشد و اگر این در بدن بحرکت میاید حق تعالی در قل و لجم میسراند پس خدا پراشگر کند و در روایت دیگر فرمود که این در قله ها و شور اکثر از خون فاسد است که در وقت طفیان از بدن بیرون میاید پس اگر کسی اینها در او حادث میشود چون بر خنثواب میورد بگوید آعوزی و غیره الله العظیم و کلبانیه الشامات الیه لا یجوز له من بره ولا فایح من شریکل زبه فیر تا از اینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت

ق این تمیمی در خواص خود ذکر کرده که آب ترخون و در لویانه تر و شربت کادی منع آبله و حصه میکند اما اگر آبله در چشم افتد این آید و برگشتن پانسیا نمک خواند و در آب اندازد تمی و نیت و وارهی و وارهی و آنگاه همی ذجره واحده تکفنا عنک عظامک و کبصرت الیوم حله یزید کت فادری آیتب انسان آن یتزک سدی الیک نطقه من مینه یعنی بقدره الله تم بر طرف شود فضلال و غیره تمامه او دفع در قل و فرجه و جرات شور و جراح و جرب نام و مانند آن در حرکت صحیح منقول است از حضرت امام جعفر صادق که هیچکس از بنیاد نیست مگر آنکه او را دور کند در بدن میباشد یکی در سهات که خوراجی که میاورد یکی دیگر در بدنت که پستی را در حرکت در میاورد پس چون در سحر حرکت میاید حق تعالی دکام در او مسلط میگردد و آنکه در دهان سر رامیکشد و اگر این در بدن بحرکت میاید حق تعالی در قل و لجم میسراند پس خدا پراشگر کند و در روایت دیگر فرمود که این در قله ها و شور اکثر از خون فاسد است که در وقت طفیان از بدن بیرون میاید پس اگر کسی اینها در او حادث میشود چون بر خنثواب میورد بگوید آعوزی و غیره الله العظیم و کلبانیه الشامات الیه لا یجوز له من بره ولا فایح من شریکل زبه فیر تا از اینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت

و این روایت است که در روایت دیگر فرمود که این در قله ها و شور اکثر از خون فاسد است که در وقت طفیان از بدن بیرون میاید پس اگر کسی اینها در او حادث میشود چون بر خنثواب میورد بگوید آعوزی و غیره الله العظیم و کلبانیه الشامات الیه لا یجوز له من بره ولا فایح من شریکل زبه فیر تا از اینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت

این روایت است که در روایت دیگر فرمود که این در قله ها و شور اکثر از خون فاسد است که در وقت طفیان از بدن بیرون میاید پس اگر کسی اینها در او حادث میشود چون بر خنثواب میورد بگوید آعوزی و غیره الله العظیم و کلبانیه الشامات الیه لا یجوز له من بره ولا فایح من شریکل زبه فیر تا از اینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت

این روایت است که در روایت دیگر فرمود که این در قله ها و شور اکثر از خون فاسد است که در وقت طفیان از بدن بیرون میاید پس اگر کسی اینها در او حادث میشود چون بر خنثواب میورد بگوید آعوزی و غیره الله العظیم و کلبانیه الشامات الیه لا یجوز له من بره ولا فایح من شریکل زبه فیر تا از اینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت

فرمود که شور و در قله های ریزه که در بدن بیرون میاید در اول که اثرش ظاهر شد انگشت شهادت بر دوش بگرداند و هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله التحلیم الکریم و در مرتبه هفتم انگشت اقبوت بگیرد یعنی بیشترد و در حدیث دیگر منقول است که بر لبه جوب یعنی گریه و دم ملد و قریان ایات را بخواند و بنویسد یا خود دارد یعنی اللهم الرحمن الرحیم و مثل کلیمه همیشه کلیمه همیشه اجبنت من فوق الارض ما لها من ثمرا منها خلقنا کم و فیها نعید کم و فیها نخیر حکم ناره اخره الله اکبر انت لا تلک الله بقی وانت لا تقی الله علی کلک فی تدبیر ایضا این آید بر خاک خواند و بر جراح افکند بر جرح خواند و بد مد صحت یابد منها خلقنا کم و فیها نعید کم و فیها نخیر حکم ناره اخره ایضا این افوز بر سر انگشت مسحوب خواند و بر زخم تیر و تیغ و غیره بندد بنیکو شود در دست نشود اینست ظاهر مته تمی سرور ایضا اگر از زخم یا جراحی خون بسیار آید و نه ایستد خون کاوران بمالند در حال باز ایستاد اگر کمیز کوردک نابالغ یا خاکستر هم کند و بر جراحی مالد بنیکو شود و خاکستر بر زاغ نیز این خاصیت را دارد کس فح لکد رختک که در بدن بهرسد یا جوشی که در آب آید خلی برود و آن بشکند در

و این روایت است که در روایت دیگر فرمود که این در قله ها و شور اکثر از خون فاسد است که در وقت طفیان از بدن بیرون میاید پس اگر کسی اینها در او حادث میشود چون بر خنثواب میورد بگوید آعوزی و غیره الله العظیم و کلبانیه الشامات الیه لا یجوز له من بره ولا فایح من شریکل زبه فیر تا از اینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت

این روایت است که در روایت دیگر فرمود که این در قله ها و شور اکثر از خون فاسد است که در وقت طفیان از بدن بیرون میاید پس اگر کسی اینها در او حادث میشود چون بر خنثواب میورد بگوید آعوزی و غیره الله العظیم و کلبانیه الشامات الیه لا یجوز له من بره ولا فایح من شریکل زبه فیر تا از اینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت

ببیند و انوشیروان در آنجا کتب را جمع کرد و در آنجا کتب را جمع کرد

میان بنویسد یوما یوما تا نادعی اصواتاوهی ترمز التحاب
 ضنع الله الذی ان کل یقین انہ جبر ما تمکون ایضا هما
 دستور در صباح بنامش بنویسد و اگر روز چهارشنبه باشد
 است هر بقیه مرفی تحت الطریق ایضا بتجرید سیده که بر
 سه قطعه چوب بید تر این اشکال را بنویسد و بجایه بیاویزد چون
 چوب خشک شود اثر آن بر طرف شود اول خلق بلق خلق خالق
 بالغ بر جوار الله در و میر خلق بلق خالق بالغ خشک من نفس لاهو
 سیم خلق بلق خالق بالغ کشته اردیوم باسم فلان بن فلان
 اما معالج عرق مدفی که رشته گویند و دهنیز گویند از
 اهویه کینه و میاه غلیظ لهر سرد خصوصاً در بلاد اروپا و فارس و
 و اکثر از مفاصل مانند خیاطه بیرون میاید و پاره نشود باید
 چوبی و مانند آن هر روز به پیچد برفق تا تمام بیرون آید و پاره
 نشود که هر گاه قطع شود از جای دیگر بروز میکند و در سکا و
 الاخلاق مذکور است که بجهت عرق مدفی پنجم شش را بدست
 بکنند بکار دو مقرر امن و بناید و هفت گره بنزد بران و بر هر
 گره سه مرتبه سوره حمد بخواند پس سه مرتبه دیگر بران شخص
 اسد فاراد بخواند بسم الله اکمل المحضی العبد القرب لیا

نصف از آنجا که انوشیروان در آنجا کتب را جمع کرد

انوشیروان در آنجا کتب را جمع کرد
 که از هر آنکه است
 خدای شمشاد
 زرد زاب زرد
 میکند و زرد
 در پیشگاه
 کتب و کتب
 در آنجا
 او که در وقت
 باشد و در اندون
 از آب تنگ باشد
 در اینک ظهور
 ان خطهای متن
 مانند زبان ان
 باشد و معالجه
 ضض و کافور
 بلعاب بنویسد و در آنجا کتب را جمع کرد

نمایند و کتب را جمع کرد
 و کتب را جمع کرد
 و کتب را جمع کرد
 و کتب را جمع کرد

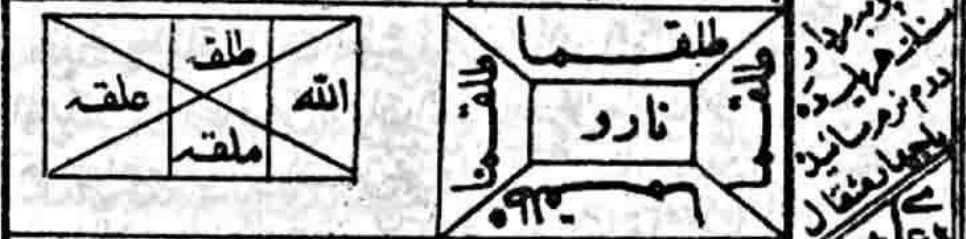
بعد الظاهر عن الولد العالی عن ان یولد المخریما و عد الغیر
 بلا عدد القوی یلا مدد که یلید که یولد که یکن که کفوا اهل
 ناخالق للحقیقه یا طاله التیر و الخیمة یا من التحوال بعد ربه مرتجا
 یا من الارض بعزیه مذخوة یا من الجبال بارادیه منساة یا من
 یخنی تجدی صایب العرفی من کل اذیه و یلتی صل علیک و
 ال محمد خیر خلقک و اشرف الهمه فلان بن فلان یفایک و
 ذابید و انک و عافیة من بلا نیک اکت فاد علی ما نشاء و آ
 از هم التراهمین و صلی الله علی محمد و آله ایضا هنوز بیرون
 نیامده باشد چون شروع بخارید کند بران بنویسد و تسلیونک
 من الجبال قل ینفها ربی لتفایة رها قاعا صفا لا تر
 فیها عوجا و لا امتا و فی بحر المنافع آورده که بر ریهای که
 دختر نا بالغ رشته هفت گره بنزد و بر هر گره هفت بار این
 آیات را بخواند و بر صاحب عرق بدنه بنزد دفع شود و اگر بر
 عورفی بند که فرزند نارسید از او جدا شود سه ساله ماند ان
 کل نفس لتا علیها حافظ فلیظیر ال انسان من خلق خلق من ما
 دافن یتخرج من بین الصلب الترابی فالیه خیر حافظا و هو ان
 التراهمین ایضا مکرر این رباعی را بخواند و بران دمد دفع شود

نمایند و انوشیروان در آنجا کتب را جمع کرد

نمایند و انوشیروان در آنجا کتب را جمع کرد
 که از هر آنکه است
 خدای شمشاد
 زرد زاب زرد
 میکند و زرد
 در پیشگاه
 کتب و کتب
 در آنجا
 او که در وقت
 باشد و در اندون
 از آب تنگ باشد
 در اینک ظهور
 ان خطهای متن
 مانند زبان ان
 باشد و معالجه
 ضض و کافور
 بلعاب بنویسد و در آنجا کتب را جمع کرد

در وقت بدن و از آن غلافی باشد که از عضو خارج می شود و در وقت بدن می باشد و در وقت بدن می باشد و در وقت بدن می باشد

المه در درها داد و از تو شفا بخشی مرا ز درد مادو : شفا می ده
از این دردم الهی بحق نزلت که نار و ایضا بر اموضع بقلم
خاک بنویسد یا علیقا یا طلیقانت ایضا بر حواله شکل بنویسد
بر حواله این بنویسد ایضا بر حواله این شکل بنویسد



فصل سیم در دفع نالول و خزار فی کجلی و مداوای آن از علی بن
ایمان منقولست که بخدمت امام رضا ع فرمودم که نالول بسید که از
بغداد سو گندم کویند بد بدن من بفرسید است و باین سبب می گنم
خست فرمود که از بر آه نالول هفت جو بر گیر و هر جو هفت بار سوره
از وقت راتاقبنا منبتا هفت نوبت و یسئلوک عن اجمال
قتل یفهار بی تنقاید هافا فامقصفا لآ تره فیها عوجا ولا
امتادد بعضی نسخ تو مشی یلتیون الذاعی لا عوج که و خست که متوا
لیرخین قلا کتمغ ایلقتا راجوان پس هر جو را یکبار بر نالول بمال
و مجموع در پارچه نوری بیند و در جامه بیند از وقت است که انجیل

در وقت بدن و از آن غلافی باشد که از عضو خارج می شود و در وقت بدن می باشد و در وقت بدن می باشد

در تحت الشعاع بکلی داوے گفت چنان کردم بعد از یک هفته تمام بر طرف
شد از حضرت صادق منقولست که دست بر نالول بمالد نه نوبت این
دعا را بخواند بسم الله و بالله محمد رسول الله و الیه و لا حول و لا قوة
ایلا بالله العلی العظیم اللهم اع عتی ما اجد از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام مرویت در کسرمه هفت روز در پی بر نالول بخواند آن
شود و مثل کلمه حیثه کتبه حیثه اجنت من فوق الارض فالها
من فرار و لبیت اجمال یثا تمکانت هباء منبتا ایضا بر کندم
بخواند آستر یا و یث وان کند هر بار در آن بمالد و در زمین نمناک
دفن کنند ایضا سوره توحید را بعد از آن برگزیند خواند بر آن مالند
و بر زمین نمناک دفن کند برودی دفع شود ایضا وصله عمده در
و بر آن مالند و سه نوبت آیه کو آنرا نهاد القرآن الی اخر سوره حشر بر آن
بخواند و دستور آتش سوزان اندازد دفع شود ایضا این اشکار البرکات
نویسد بر نالول در زمین نمناک دفن کند چون کاغذ مضحک شود نالول
نیز تحلیل رفت و ائمه کرده اشکال این است محالی دله که واسعد و مر
اطباء در خواص خود گفته اند که چون دلول ماه بعد نالول بگریه
از آن یک عدد بخورد اما لیده مجموع را در دل بسته از میان هر دو یا
یا از بالای شانسان لتد اجمالت عقب بیند از دو در او ماه جمیع تا

در وقت بدن و از آن غلافی باشد که از عضو خارج می شود و در وقت بدن می باشد و در وقت بدن می باشد

در وقت بدن و از آن غلافی باشد که از عضو خارج می شود و در وقت بدن می باشد و در وقت بدن می باشد

در وقت بدن و از آن غلافی باشد که از عضو خارج می شود و در وقت بدن می باشد و در وقت بدن می باشد

کتابخانه خازین و سراج

بر طرف شود و در کجرا المنافع آورده بعد نالود در شب یکشنبه بانه
ماش شاه کند و در لته بند و در بامداد و شبانگاه هاشم راهفت یاد
بر نالول مال دو یا همگس سلام و سخن نگوید و در مزیا اب چالذارد
چون ماش پوسید شود نالول زایل گردد ایضا آنکت و سطای
دست راست خود را بر کف دست چپ مالده بل این افون را بخواند
و بر نالول مال دفع شود عن ذخ زخامن تنید تلید زخ و زخاماله
من قوه و لا ناصر ایضا سه بار بعد از نماز صبح بخواند بر طرف
شود بعد از بمله انخ زخ مزخ شد در حه فماله من قوه و لا
ناصر و در بعضی نسخ اقباله رسیده که اگر زرع را در میان آید و قه کبیر
میاید بگیرد بعد بخرقه بندد و در زیر سنگی هلد نالول بر طرف شود
ایضا بجهت دفع نالول فـوباباجمل سائیده بمالند در همان
دور زانل گردد انتم فصل چهارم در دفع خنازیر و سولجان
و حمره و اشدک و اقلح و لغوه و کلف و حذره و داء الثعلب و در غیران و
در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقولت که دختری در خا
مانند دگر و نش خنازیر احمد هر سید بود شخصی در خواب بمن گفت
که بگویند عا را تکرار کند یاروف یارچیم یارت یارت یارت یارت
پس چنان کرد عافیت یافت ایضا در دوال نالولیک جهل و بلرگه

نماند بگردانند در هر
نماند بگردانند در هر
نماند بگردانند در هر

از کتب طب معتبره
در کتابخانه
نماند بگردانند در هر
نماند بگردانند در هر
نماند بگردانند در هر

کتابخانه خازین و سراج

بزند و برگه ایند عا را بخواند و بر کلوسد شفایابد بسم الله الرحمن
الرحیم أعوذ بعزّة الله وقدره الله وعظمة الله و بزهان الله و
سلطان الله وكف الله وجود الله و آمان الله و حزن الله و بطون
الله و بهاء الله و جلال الله و کمال الله و بلا الله ایچ الله محمد
رسول الله من شتر ما آجد برحمتك یا ارحم الراحمین ایضاً
کتاب تسهیل است اگر کسی خنازیر باشد اگر چه بسر حد زخم
رسید باشد بیاید بعد گره ها و زخها تخم مرغ در هر یک این طلسم را
بنویسد و در حین نوشتن این آید را بخواند حرمت علیک اللیت والدی
و کم انجیز برودها اهل لعیتر الله به قین اضطر غیر باع ولا عادون
تخم ها در گورستان کهنه دفن نماید بطریقیکه در بالا هم نوشته
چون این تخم را بنیاد خشکیدن نماید خنازیر کم نشود حرمت طلسم این

لواد	۱۱۱۸۱۲۶۸۸۸۸۸۸
ده	۱۱۱۲۶۱۷۲۸۱۸۱۸۱۸
ط	۱۱۱۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱
ک	۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱
ه	۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱

نماند بگردانند در هر
نماند بگردانند در هر
نماند بگردانند در هر

نماند بگردانند در هر
نماند بگردانند در هر
نماند بگردانند در هر

وایضا این شکر انبوید بر موضع خنایز بندد رفع شود انشاء الله

در شکر

افسون هسند که هیچ دوا چاره پذیر نباشد بنویسد و طبرجاکه علت بود بنیدد و بر پارچه کاغذ بنویسد بنویسد سه روز متوال بخورد صحت یابد و باروغن بادام تلخ سه ویک بار بخواند و بر بدنه مالد رفع یابد و بجهت دفع دیو و پری و مسحها و جادو و بدستور بران روغن خواند و بر عصا مالد یا چهل و پنج بار بر آب خوانند و غل کنند و بیاشامند دفع شود و بجهت دفع در شکر یا نزده بار بخواند و بخورد صحت یابد لیم الله الرحمن الرحیم اوام لها ام که کلا کبها ادرحنا ترها اوام مت بخت سواها منجی نقل سواها افسون فی یکو بجهت باد سسرخ و انشک سه روز بعد از طلوع افتاب و غروب ان بران خواند و کلدها هنی که دست ان نیز همین باشد بدست بگیرد و بدان جمله اوردد یا چند خاشاک در دست است و بر صاحبان فرود اوردد بعضی کار در سه روز چنین کند دفع کرد و ان این است ابر سرخ بر آید بزان سرخ بسیار دیکاه سرخ بر آید بزر سرخ بخورد پس نه بار بگوید هل هو هل هو هل هو پس بگوید و

دانه دارد و سینه را در سرخ بخورد و دانه را در سرخ بخورد و دانه را در سرخ بخورد

و نیزل من القران ما هو شفا و رحمة للمؤمنین و یا بحق ازلناه

در معالجه

و یا بحق تزل پس پنج بار بگوید اهل هو هل هو هل هو پس بگوید ایتها السرخ اتخر اتحول الی من یزعم ان مع الله لها خرفانة لقیل ان لا اله الا الله اتحق القیوم برحمتک یا ارحم الراحمین اما معالجه پای مریغ و غیره و دندان و اورام حازه هر یا مداد بر لعاب دهن بخواند و بدمد و انزاردد طلا کند دفع کرد و لیم الله الرحمن الرحیم الحار ووال الما و الفواقم باقیما بحرمه لعاب هان مصطفی اما معالجه افلیج وان علت استکده و با اعضا راست و چپت میگرداند بجهتی که صاحب ان تصور میکند که ان عضو از او افتاده است این ایات را بنویسد با خودد و بران نیز بخواند نافع است لیم الله الرحمن الرحیم تجو الله مایسا و ویئت وعینة أم الكتاب الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رؤلا اولی آتیة مشتی و ملاوت و رباع لیم فلان بن فلان ایضا ان امام محمد باقر مرتبت که بجهت فاج و قولج و باده از هر علتی که بوده باشد این ها مفید است سوره حمد و معوذتین و توحید را برجا بکشد و زعفران بنویسد و این دعا را در ذیل ان بنویسد آعوذ بوجه الله

از ان که در دست راست و چپت میگرداند بجهتی که صاحب ان تصور میکند که ان عضو از او افتاده است این ایات را بنویسد با خودد

و یا بحق تزل پس پنج بار بگوید اهل هو هل هو هل هو پس بگوید ایتها السرخ اتخر اتحول الی من یزعم ان مع الله لها خرفانة لقیل ان لا اله الا الله اتحق القیوم برحمتک یا ارحم الراحمین اما معالجه پای مریغ و غیره و دندان و اورام حازه هر یا مداد بر لعاب دهن بخواند و بدمد و انزاردد طلا کند دفع کرد و لیم الله الرحمن الرحیم الحار ووال الما و الفواقم باقیما بحرمه لعاب هان مصطفی اما معالجه افلیج وان علت استکده و با اعضا راست و چپت میگرداند بجهتی که صاحب ان تصور میکند که ان عضو از او افتاده است این ایات را بنویسد با خودد و بران نیز بخواند نافع است لیم الله الرحمن الرحیم تجو الله مایسا و ویئت وعینة أم الكتاب الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رؤلا اولی آتیة مشتی و ملاوت و رباع لیم فلان بن فلان ایضا ان امام محمد باقر مرتبت که بجهت فاج و قولج و باده از هر علتی که بوده باشد این ها مفید است سوره حمد و معوذتین و توحید را برجا بکشد و زعفران بنویسد و این دعا را در ذیل ان بنویسد آعوذ بوجه الله

و نیزل من القران ما هو شفا و رحمة للمؤمنین و یا بحق ازلناه و یا بحق تزل پس پنج بار بگوید اهل هو هل هو هل هو پس بگوید ایتها السرخ اتخر اتحول الی من یزعم ان مع الله لها خرفانة لقیل ان لا اله الا الله اتحق القیوم برحمتک یا ارحم الراحمین اما معالجه پای مریغ و غیره و دندان و اورام حازه هر یا مداد بر لعاب دهن بخواند و بدمد و انزاردد طلا کند دفع کرد و لیم الله الرحمن الرحیم الحار ووال الما و الفواقم باقیما بحرمه لعاب هان مصطفی اما معالجه افلیج وان علت استکده و با اعضا راست و چپت میگرداند بجهتی که صاحب ان تصور میکند که ان عضو از او افتاده است این ایات را بنویسد با خودد و بران نیز بخواند نافع است لیم الله الرحمن الرحیم تجو الله مایسا و ویئت وعینة أم الكتاب الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رؤلا اولی آتیة مشتی و ملاوت و رباع لیم فلان بن فلان ایضا ان امام محمد باقر مرتبت که بجهت فاج و قولج و باده از هر علتی که بوده باشد این ها مفید است سوره حمد و معوذتین و توحید را برجا بکشد و زعفران بنویسد و این دعا را در ذیل ان بنویسد آعوذ بوجه الله

معالجه بادها

العظيم وبغيرته التي لا ترام ويقدته التي لا تمنع منه شيء من شيء
 هذا الوجع ومن شير ما فيه ومن شير ما أخذ منه واكر خواهد لو
 يا شانه كوسفند بنويد نيز خوبت ويا بباران بوييد بناشتاد
 وقت خواب بياشامد نافع است اما براي باد لغوه در نخته بنظر رسيد
 كه اگر كير او صود هان كج شده باشد اين ايات را بوييد و در وعه را بوييد
 بوييد شفا يابد انتم كسخر ناله الرياح تجر به بافره و اخطا
 والتياطين كل بناء وغواص و آخر من مقررين في الاصفاد هذا
 عطاؤنا فامنن او آمنك بقير حيايب الريح جعل كه عينين و لسانا
 ولسنين و هديناه التجدين و در روايت ديگر سوره لاذ از لزلت
 را بوييد و بران نظر كنند و در نخته ديگر بنظر رسيد كه اين سوره را در
 اينه فولا بوييد و بشويد و صاحب لقوه ياشامد شفا يابد و
 در كتاب تهليل مرويت كه شخص بخصر صادق عرض كرد كه
 باد من سر تا پا من را گرفته فرمود كه عنبر و روغن زنبق را بناشتاد باغ
 بچكاند و در روايت ديگر شخصي را لقوه طارض شده بود بآنخصر
 عرض كرد فرمود برو برو و من رسول الله چنين كرد عافيت يافت
 اما معالجه خلد شدن اعصاب در خبر آمد كه چون نام كس را كه
 دوست عزيز دارد در روزان را باند خلد بر طون گردد و در معالجه

در روزان را باند خلد بر طون گردد و در معالجه

معالجه داء الثعلب

كلف و غش و داء الثعلب و داء المنافع او رده كه خون خركوش تازه
 و كرم بر كلف مالذ ذائل شود ايضا بجهت و در وعه و كلف بسود
 و بشويد و برود كلف مالذ ذائل گردد اما بايد بچوي باشد كه آب بر
 نيز در بعد از ان بسيله قل اوحى اليك انه اسمع لقرن من ليجن فقالوا
 اننا سمعنا قرنا نجيا ايضا بدستور مذكور سه روز ايندهارا بوييد
 او در كلف و غش ذائل گردد يا سمع انت صاحب كل غيب لا اله
 الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجنا له و نجناه من
 العنيم و كذلك ينبغي للمؤمنين استجب دعوتهم و احسن حاجتهم و روح
 همتي و عظمي بر رحمتك يا ارحم الراحمين اما معالجه داء الثعلب
 در بحر المنافع او رده كه بجهت ريختن موم من سبيل بروغن بنواذ با
 بران و زير سيل الصواحق فيصيب بهما من يشاء و يجاد لون في الله
 و كوشد يدك الحال اطباء بجهت كلف لافموده اند كه انزروت را در
 زهره كاو حل نموده بمالند بدستور بجهت ازاله كلف و غش امثال
 ان تجر به رسيد است كه بچ سوسن را و سر كين بگشتك در قسط تلخ
 با آب و سر ك طلا كنند و در ديگر با آب سوسن گندم بشويد و بجهت
 داء الثعلب كندش شيطرح هر يك جگر و زنج سرخ دو جزو بارون
 زنبون طلا كنند كه بعد است و كلف در وعه ميسود و زنبون

دوا در روزان را باند خلد بر طون گردد و در معالجه

معالجه داء الثعلب

معالجه داء الثعلب

معالجه داء الثعلب

۱۲

در سنگلایف

سبحان من و سبحان ربی

سخنات و سیاه و شبیه یکدات فصل پنجم کس که دفع بقدر
 و جذام و اکل و چرب و قویا و حکم و نفرین در حدیث معتبر منقول که بود
 بن عارض کایت کرد بخضر صادق آذان پیس که در درگاه او برسد بود
 فرمود که چون ثلث آتش شود بر خیز و وضو ساز و درود و رکعت
 اول از نماز شب در سجده بخوانید عاراجخوان یا ارحم الراحمین یا اعظم یا یارب
 یا رحیم یا سميع الذمات یا مغطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد
 و اعطین من خیر الدنیا و الآخرة ما أنت آهلک و اصف من شری
 الدنیا و الآخرة و اذهب عنی الرجیم و نام ان از از ابره قیانه قد
 عاقبی و آخرتی و مبالغ کن دود و تلذذ عرادے گفت هنوز بگو
 نویسد بودم که پیس از من ذایل شد و در روایت دیگر منقول که
 اسحق بن محمد و غیره از همین علت همان خضر نکایت کرد فرمودند
 که وضو سازید و در رکعت نماز بکنید و حمد شایه الی و اجبا
 آورید و صلوات بر محمد و آل او فرستید و بگوئید یا الله سه مرتبه
 یا رخص سه مرتبه یا اولجد سه مرتبه یا احد سه بار یا صد سه بار
 یا ارحم الراحمین سه بار یا اقلد الفایدهین سه بار یا رب العالمین
 سه بار یا سميع الذمات سه بار یا منزل التکات سه بار یا مغطی
 الخیرات سه بار صل علی محمد و آل محمد و اعطین خیر الدنیا و الآخرة

عقد و قیاد نفرین
 کافه اند که جعل
 عاراج خوان
 در حدیث معتبر
 بن عارض کایت
 فرمود که چون
 اول از نماز شب
 یا رحیم یا سميع
 یا ارحم الراحمین
 یا مغطی الخیرات
 و اعطین من خیر
 الدنیا و الآخرة
 عاقبی و آخرتی
 نویسد بودم
 اسحق بن محمد
 که وضو سازید
 آورید و صلوات
 یا رخص سه مرتبه
 یا اولجد سه مرتبه
 یا ارحم الراحمین
 یا اقلد الفایدهین
 یا رب العالمین
 یا مغطی الخیرات
 یا منزل التکات
 یا مغطی الخیرات

۱۳

سبحان من و سبحان ربی

و اصف من شری الدنیا و الآخرة و اذهب عنی ما اجد فقد غلط
 و آخرتی راویان گفتند و الله که از مدینه بیرون نیامد بودیم که مانند
 سبوس از مافرو ریخت و از حضرت امام موسی کاظم منقول که شود با
 گوشت گاو برص و جذام را ایستد حضرت صادق فرمود که سوره
 انعام را با عمل بر طرف بنویس و باب بشو و بخورد تا برص بر طرف شود
 فوج دیگر فرمود هیچ چیز نافع تر از این نیست از رک برص از تر بقیه
 قبر امام حسین با آب بلان خوردن و بران موضع مالمید شخصی از برص
 خلق بد شکایت کرد فرمود تمام برود و حنار با نور مخلوط کن و بران موضع
 بمال که دیگر اثر از آن خواهد دید با طباء تجرب یافته اند که موضع پیس را
 سوزن بجلا ند اگر خون براید علاج پذیر باشد اگر خون نیاید مداوات
 نکند و در کسر المنافع آورده که خاک تر چوب سپند از آب بر کند
 و ایندهار ابیت و یکبار بر او خواند و بعد متاهف تو در آن طلا کند
 دفع شود بعد از سینه قوت علی ایمنی الذی لا یموت امام عاراج
 حق مجرب شد که نویس بر محل حق این ایات را و آن من یخس ایستد ما
 یقول آیته و ما ننزله الا بقدر معلوم هل یعمونکم اذ تدعون او
 یفعلونکم او یصرون و در کسر المنافع آورده که بجهت خلق در برص
 آن بخواند و بگوید کند و بخورد که منافع العیال و ما فی الارض حیثما
 بجوالد

سبحان من و سبحان ربی
 کافه اند که جعل
 عاراج خوان
 در حدیث معتبر
 بن عارض کایت
 فرمود که چون
 اول از نماز شب
 یا رحیم یا سميع
 یا ارحم الراحمین
 یا مغطی الخیرات
 و اعطین من خیر
 الدنیا و الآخرة
 عاقبی و آخرتی
 نویسد بودم
 اسحق بن محمد
 که وضو سازید
 آورید و صلوات
 یا رخص سه مرتبه
 یا اولجد سه مرتبه
 یا ارحم الراحمین
 یا اقلد الفایدهین
 یا رب العالمین
 یا مغطی الخیرات
 یا منزل التکات
 یا مغطی الخیرات

قصه تهنیت

سوره و التمس و اللیل و قدر و مجد و اخلاص و معوذتین را بخواند و بعد
 صد مرتبه توحید را بخواند و صد مرتبه صلوات بفرستد و با وضو صبح
 رات بخوابد هر گز نخواهد اثناء الله در خواب بیدار شود و خواب
 که خواهد در میانان میشود و در روایت دیگر آمده که این طریقه را هفت
 باید عمل نمودی در کتاب بلد الامین کفعمی و مشایخ و در کتب خود
 ذکر کرده اند که اگر کسی را حاجتی یا ملامت مشکلی پیش آید و بیدار نشود
 و در ماند باشد با ظهارت در فراش و محاف یا کی بخواند و زنی با او هم خواب
 نباشد و در وقت خواب التمس و اللیل هر یک را هفت بار بخواند و بعد
 ان بگوید اللهم اجعل لی من امری قریباً و خیراً و در شب اول یا سیم
 یا پنجم یا هفتم شخصی بخوابد او در آید پدر و ارازان ۴۸ مرتبه برایش بگوید
 کفعمی و این تکرار کرده که در کتاب لفظ الفوائد مذکور است که هر که
 ایه الحسب الذین کفرو ان یحذروا عبادی من دونی اولیاء
 انا اعدنا جهنم للكافرين ثم لا یخافون ثم لا یخافون ثم لا یخافون
 یخجل و الی تحلی و آری بیاضاً و خمره پس بخواب رود اگر سفید شود
 بپسند انقصد خوب باشد چهل او در و اگر سیاه یا سخی بپسند بد باشد
 ترک نماید البته یکی از آن در در خواب میبیند انتم باب ۱۸
 در کتب مشهور و بلیغات و در این باب چند فضیلت است

Table with 4 columns and 10 rows, containing handwritten text in a grid format, likely a calendar or a list of events. The text is dense and difficult to read due to the cursive script.

...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...

Vertical text on the left margin, including phrases like "بسم الله الرحمن الرحیم" and other religious or historical notes.

Vertical text on the right margin, including phrases like "بسم الله الرحمن الرحیم" and other religious or historical notes.

۴۴
 در دفع شره بلیتی بنویسد این بقوید را بخورد دارد
 کتب و بیانی
 بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم اني اشك ان
 احفظني من الجن والانس اعوذ بوجه الكريم وبكلمات
 التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ينزل من السماء وما
 يرتفع اليها ومن شر ما ينزل في الارض ومن شر ما يخرج منها ومن شر الباليل
 والنهار والاطار قاطبة بحضرتك يا رحمن يا رحيم بفضلك وجزيل
 وكرمك يا ارحم الراحمين بسم فلان من هذه الاسماء
 صح ۱۳۴ هـ ۱۱ ۱۱ هـ الساعة العجل الراجح بنو
 باخورد دارد بسم الله الرحمن الرحيم يا هويا من هويا من ليس الا هو
 صل على محمد وال محمد واجعل محامل كتابي هذا من كل هم وغم زواله
 وخوف فرج وخرج جبرمتك يا ارحم الراحمين

فصل اول در دفع شره بلیتی بنویسد این بقوید را بخورد دارد
 این مانند آنیم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اشك ان
 احفظني من الجن والانس اعوذ بوجه الكريم وبكلمات
 التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ينزل من السماء وما
 يرتفع اليها ومن شر ما ينزل في الارض ومن شر ما يخرج منها ومن شر الباليل
 والنهار والاطار قاطبة بحضرتك يا رحمن يا رحيم بفضلك وجزيل
 وكرمك يا ارحم الراحمين بسم فلان من هذه الاسماء
 صح ۱۳۴ هـ ۱۱ ۱۱ هـ الساعة العجل الراجح بنو
 باخورد دارد بسم الله الرحمن الرحيم يا هويا من هويا من ليس الا هو
 صل على محمد وال محمد واجعل محامل كتابي هذا من كل هم وغم زواله
 وخوف فرج وخرج جبرمتك يا ارحم الراحمين

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲

در روز نازل میشود این مربع را که دفع آن موافق عدد بسمله است
 بشرحیکه ذکر میشود باخورد دارد فائده عظیم دارد بدان این مربع را
 که دفع آن موافق عدد بسمله است بترتیب عدد بطریقیکه ارباب علوم
 ایشا جسته شره بلیتی که در...
 فی الجمله
 در دفع شره بلیتی بنویسد این بقوید را بخورد دارد
 کتب و بیانی
 بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم اني اشك ان
 احفظني من الجن والانس اعوذ بوجه الكريم وبكلمات
 التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ينزل من السماء وما
 يرتفع اليها ومن شر ما ينزل في الارض ومن شر ما يخرج منها ومن شر الباليل
 والنهار والاطار قاطبة بحضرتك يا رحمن يا رحيم بفضلك وجزيل
 وكرمك يا ارحم الراحمين بسم فلان من هذه الاسماء
 صح ۱۳۴ هـ ۱۱ ۱۱ هـ الساعة العجل الراجح بنو
 باخورد دارد بسم الله الرحمن الرحيم يا هويا من هويا من ليس الا هو
 صل على محمد وال محمد واجعل محامل كتابي هذا من كل هم وغم زواله
 وخوف فرج وخرج جبرمتك يا ارحم الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم اني اشك ان
 احفظني من الجن والانس اعوذ بوجه الكريم وبكلمات
 التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ينزل من السماء وما
 يرتفع اليها ومن شر ما ينزل في الارض ومن شر ما يخرج منها ومن شر الباليل
 والنهار والاطار قاطبة بحضرتك يا رحمن يا رحيم بفضلك وجزيل
 وكرمك يا ارحم الراحمين بسم فلان من هذه الاسماء
 صح ۱۳۴ هـ ۱۱ ۱۱ هـ الساعة العجل الراجح بنو
 باخورد دارد بسم الله الرحمن الرحيم يا هويا من هويا من ليس الا هو
 صل على محمد وال محمد واجعل محامل كتابي هذا من كل هم وغم زواله
 وخوف فرج وخرج جبرمتك يا ارحم الراحمين

ShivaDoc.com

۴۵
 در دفع شره بلیتی بنویسد این بقوید را بخورد دارد
 کتب و بیانی
 بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم اني اشك ان
 احفظني من الجن والانس اعوذ بوجه الكريم وبكلمات
 التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ينزل من السماء وما
 يرتفع اليها ومن شر ما ينزل في الارض ومن شر ما يخرج منها ومن شر الباليل
 والنهار والاطار قاطبة بحضرتك يا رحمن يا رحيم بفضلك وجزيل
 وكرمك يا ارحم الراحمين بسم فلان من هذه الاسماء
 صح ۱۳۴ هـ ۱۱ ۱۱ هـ الساعة العجل الراجح بنو
 باخورد دارد بسم الله الرحمن الرحيم يا هويا من هويا من ليس الا هو
 صل على محمد وال محمد واجعل محامل كتابي هذا من كل هم وغم زواله
 وخوف فرج وخرج جبرمتك يا ارحم الراحمين

این سخن گفته اند با اشکالی که در حوالی آن ثبت است مفسر آیه ظاهر
 با اسماء الله سبحانه در دمانیکه در این باب بیان نموده اند آنستکه
 بسمله نوزده حرفست بعد از زبان دروخ که هر که ملازم آن شود از
 اطبا امین مانند شروری که از نتایج قوائی نوزده گانه مشرف میشود بخا
 یابد و مراد از آن قوائی خمسه ظاهر است که ان با صره و سامعه و ذائقه
 و شامه و لامه است و خوانس خمسه باطنی که ان حس مشترک و
 مخفیه و متوهمه و حافظه و خیالت و قوه شهویه و غضبیه و هفت
 قوائی دیگر که طبیعیه است که ان غاذیه و نامیه و مولد و محرکه و مگر
 و عاقله و عظیمه است و گفته اند که الله تعالی زبان جهنم را نوزده مقرر
 داشته بی زیاده و کم و در آراء هر قوی خزنه است بنا بر آنکه این
 قواها منبع شرور و وسیله ذنوب میباشدند قوله تعالی وما اصابتکم من
 مصیبه فیما کنت آیدیکر اشاره بنتایج اینقواها است هکذا
 هر شبانه روز بیست چهار ساعت است و بیست و پنج ساعت آن با زاء
 بیخوقت نماز است و نوزده ساعت دیگر باقیماند بملازمت و
 مواظبت بسمله از شرور و بلیتات که در این ساعات میشود امان
 و نجات حاصل میشود زیرا که حروف آن بعد از ان ساعات مسکوت
 است العاقل یکفیه الاشاره و خواص بیشتر مذکور نموده اند لطین

در دفع شره بلیتی بنویسد این بقوید را بخورد دارد
 کتب و بیانی
 بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم اني اشك ان
 احفظني من الجن والانس اعوذ بوجه الكريم وبكلمات
 التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ينزل من السماء وما
 يرتفع اليها ومن شر ما ينزل في الارض ومن شر ما يخرج منها ومن شر الباليل
 والنهار والاطار قاطبة بحضرتك يا رحمن يا رحيم بفضلك وجزيل
 وكرمك يا ارحم الراحمين بسم فلان من هذه الاسماء
 صح ۱۳۴ هـ ۱۱ ۱۱ هـ الساعة العجل الراجح بنو
 باخورد دارد بسم الله الرحمن الرحيم يا هويا من هويا من ليس الا هو
 صل على محمد وال محمد واجعل محامل كتابي هذا من كل هم وغم زواله
 وخوف فرج وخرج جبرمتك يا ارحم الراحمين

خواندن آن است که بر کوش چپ یادت مصروع بتانی از سر توجیه و
 محکم و هیبت و اگر بر کف چپ بچون یادت او بنویسد اگر بر کف
 معذور باشد بر بیاض بدستور مقوی بنویسد و در وقت نوشتن زبان
 بخواند بدست بنویسد و جهد نماید که در حالت نوشتن نیز از سر وجه
 خاطر حضور قلب باشد و اگر در مکاینکه جن در انجامه گرفته و در
 و اید امیرساند بتانی و حضور و توجه بخواند جن از انجامه فر نماید
 دیگر یکی ایذا رسانند و این است ارقایش قلیش و فرایش استظفا
 استظاف تطین خطوب خطاب تعذاب من قرأش الله رب العزوباطمه
 تسوج ازخ شوح ازموامیثا القدیم الکوزی الامدی ان الذی
 قنوا المؤمنین والمؤمنات ثم کتبوا قلوبهم عذاب عذاب
 آخرین الشدک بامعشر لیکن بالله العز القهار الوالی و بالعهد الذم
 اخذ علیکم لیکن بن داود ان لا تصروا باطامل هذه اهنیکل
 فلا من فلان و ان تمزکوه فی حوز الله و حیثیه بحق محمد و آله
فصل سیم در دفع صرع و ترسانید جن مرویست که حضرت امام زین
شخصی را دیدند که صرع گرفته است قدح ابی طلیسند و سوره حمد و
اخلاص و معوذتین بران خواندند و بر سر دروه او پاشیدند و هوش
آمد و یا بنویسد با خود دارند در حدیث دیگر از امام محمد باقر مرویست

قدرا كفاشد هو العالم مرتج انیت

۲۰۰۰	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰
۱۹۹	۱۹۸	۱۹۷	۱۹۶	۱۹۵	۱۹۴	۱۹۳	۱۹۲	۱۹۱	۱۹۰

فصل در دفع شر جن و شیاطین و اختلال دماغ و رویت
که شخص را اختلال دماغ بفرسید و در حضرت امام جعفر صادق عرض نمود
حضرت فرمود هر شب در هنگام خواب این دعا بخواند بسم الله و بالله و انا
بالله و کفرت بالطاعون اللهم اخططنی فی منامی و فی یقظتی کعود یعزیزة
الله و جلاله من الجدد و احذر و از حضرت رسول منقولست که هر کس
از شیاطین و جادوگران ترسدا نیزه بخورد در اعراض تا قریب من الجین
بخواند از شر ایشان ایمن باشد بی جهت شرح و شیاطین بنویسد باین
درد آورد نبور وجه الله اکرم تا ایجا که بطرف تجریمت یاد هم تا دریم
چنانچه در فصل سابق گذشت و ایضا می عای ارقاش که از سید
علی همدانی نقل شد بی جهت دیو پری زده و گیر اگر جن و شیاطین بر او
سلط باشد تا اثر عظیم دارد و چون بر او بخواند زود خلاص شود و طریق

در وقت نوشتن زبان بخواند بدست بنویسد و جهد نماید که در حالت نوشتن نیز از سر وجه خاطر حضور قلب باشد و اگر در مکاینکه جن در انجامه فر نماید دیگر یکی ایذا رسانند و این است ارقایش قلیش و فرایش استظفا استظاف تطین خطوب خطاب تعذاب من قرأش الله رب العزوباطمه تسوج ازخ شوح ازموامیثا القدیم الکوزی الامدی ان الذی قنوا المؤمنین والمؤمنات ثم کتبوا قلوبهم عذاب عذاب آخرین الشدک بامعشر لیکن بالله العز القهار الوالی و بالعهد الذم اخذ علیکم لیکن بن داود ان لا تصروا باطامل هذه اهنیکل فلا من فلان و ان تمزکوه فی حوز الله و حیثیه بحق محمد و آله

بسم الله الرحمن الرحیم... این دعا را در وقت نوشتن زبان بخواند بدست بنویسد و جهد نماید که در حالت نوشتن نیز از سر وجه خاطر حضور قلب باشد و اگر در مکاینکه جن در انجامه فر نماید دیگر یکی ایذا رسانند و این است ارقایش قلیش و فرایش استظفا استظاف تطین خطوب خطاب تعذاب من قرأش الله رب العزوباطمه تسوج ازخ شوح ازموامیثا القدیم الکوزی الامدی ان الذی قنوا المؤمنین والمؤمنات ثم کتبوا قلوبهم عذاب عذاب آخرین الشدک بامعشر لیکن بالله العز القهار الوالی و بالعهد الذم اخذ علیکم لیکن بن داود ان لا تصروا باطامل هذه اهنیکل فلا من فلان و ان تمزکوه فی حوز الله و حیثیه بحق محمد و آله

ازاداد است جن
ازاداد است جن
ازاداد است جن

که کبریا بدین گرفته باشد بر او سوره حمد معوذتین هر یک را ده بار بخوانند و
ایضا بنویسند در جایش که در خضران و بای بنویسند و با وجود آنست که در باب
وضو و غسل داخل کند خلاص شود در روایت دیگر مینویسد در روز آخر
سوره الرحمن است تا آخر بنویسد و آیه الکرسی بر حوالی آن بنویسد بر که او برسد
که جن با وادیت میرساند ترا ادیت او نمایند و از حضرت رسول منقولست
که در خانه که جنان سنگ اندازند آن گرا در دو بکره بخندند و گفته اند که
بسم الله لمن دعا ليس دواء الله مني من هم كما هو اوله في
ايمه ومانا ان لا تتوكل على الله وقد هدينا سبلنا و لتصير على ما
اد تيمونا وعلى الله فليتوكل المتوكلون را بنویسد بر روی او برسد جن اینها
نویسند و در گوش راست مصروع سه مرتبه بخواند بسم الله الرحمن
الرحيم على امير المؤمنين بن ابي طالب يقول لك هاشم انا انا انا
و در گوش چپ او نیز همین را بخواند بشرط تقدم حاجب لفظ هاشم
در نسخه مقال هاشم انا انا انا و در نسخه دیگر هاشم انا انا انا
و بخوانند تا مانده دهد و در حال صرع او را بیل گردد و در سجده لایع
که اگر کبریا صرع گرفت باشد سوره و اللیل را بر گوشین مصروع بخوانند
و باید مدحش آید در رسالت در خواص التور سوره جن را بر گوش
بدم که در جمله بجز بابت است سوره شورع و بنویسد بنویسد بر مصروع

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

تمام اوقات
تمام اوقات
تمام اوقات

باشد سوره تحریم را بر مصروع بخوانند هر شش را می شود این ایام بنویسد
بروی بنویسد بر مصروع را می شود بسم الله الرحمن الرحيم خلف
من بعدهم خلف اصنعوا الصلوة و اتبعوا التورات فموت بلقون
غيا و صلى الله على محمد و آله الطيبين حزن امير المؤمنين ایضا این
روز از حضرت امیر المؤمنین در کتاب حج الدعوات مطروحات سه مرتبه بخورد
مصروع و مسموم تا شیطان دارد و همچنین جهت هر چیزی که آدمی از آن ترسان
در هر سان باشد از حضرت شیطان و سلطان و دزدان و دزدان و جانوران هر
چیزی را سنانک باشد نافع و مفید است بنویسد بر او صدمت بدد
بسم الله الرحمن الرحيم ای کنوش ای کنوش ای کنوش بر او شش عطی طبع
بسیطرون قره الیسون ما در ما سلسا ما سوسنا طيطالوش طيطشا
لوش خطوش سفقش مشفقش ماشعوش او طبعوش طبعكش طيفكش
هذا وما كنت بجانب الغربي إذ قضينا الموتى إذ أمرنا ما كنت من الساعه
أخرجني الله منها اللهم العين بعزم الله رب العالمين أخرج منها و آية
لست من الجنين أخرج منها ما يكون لك أن تكبر فيها ما خرجت منك من
الصالحين أخرج منها ما دامد حورا أظفنا أصحاب السبت فكان أمر الله
فمنع من أخرج يادري أخرج من أخرج يا سورا سورا بالاسم الحزق باسم
طهرون مراعون فتبارك الله احسن الخالقين یا هیا شرا هیا خیر ما هیا

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

عزرا

المكتوب طرحة اسرافيل الطرد عن صاحب هذا الكتاب كل من حنينه
وشيطان وشيطانه وتاج وبعده ساعه وساعه وغول وغول وكل
وطب يبت بلان دم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله
على خير والرحميين البنجال

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين

خير خير خير خير من سما حلائل وسجلد آسبل
وايض عزرا من سما حلائل وسجلد آسبل
وبالله ومن الله والى الله والى الله على كل من قلبه عزمت عليكم يا
معتزتين والنجية والحموس والحموس والحموس والحموس والحموس
والسليبات بقر تيمسليان بن ملوود والذبي كحفره ايمن والنجية
والطهور والروحوس يا مفاو الله مفضل عزمت عليكم بالثورينديك
في التورينديك وبكل عهد وميثاق في التورينديك يا ذين الله ثم طار
والشهادة وهو الرحمن الرحيم عزمت عليكم بالانجيل وبكل سور في
الانجيل وبكل آية في الانجيل وبكل كلمة في الانجيل وبكل آية في
الانجيل وبكل آية في الانجيل وبكل عهد وميثاق في الانجيل
الخرج اخرج يا ذين الله ثم كل في هالك الا وجهه انكم واليه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين

عزرا
أمر الصبيان

تربحون عزمت عليكم بالتورينديك وبكل كلمة في التورينديك وبكل آية في التورينديك
وبكل عهد وميثاق في التورينديك وبكل عهد وميثاق في التورينديك
يا ذين الله ثم لا تذكروا الانبياء وهو يذكروا الانبياء وهو اللطيف
الخبير عزمت عليكم بالفرقان وبكل آية في الفرقان وبكل عهد
وميثاق في الفرقان اخرج يا ذين الله ثم توكلت عليه وهو رب العرش
فان كنتم يهوديا يحيي موسى كلمه الله واله واتباعه وآشياء وذريات
وان كنتم عيسائيا يحيي روح الله ويحيي دينه واله واتباعه وآشياء
وذريات اخرج يا ذين الله ثم وان كنتم داوديا يحيي داود وخليفته وذرية
واتباعه وآشياء وذريات اخرج يا ذين الله تعالى وان كنتم ملكا
يحيي محمد رسول الله وذريته واله واتباعه وآشياء عليهم السلام اخرج
يا ذين الله ثم توكلت عليه وهو رب العرش العظيم وان كنتم مجوسيا
اخرج يا ذين الله ثم توكلت عليه وهو رب العرش العظيم واتبعوا
وكل جاء الحق وذهب الباطل ان الباطل كان زهوقا ونزل من
القران ما هو شفاعة ورحمة للذين آمنوا ولا يزيد الظالمين الا خسارا

عزرا
أمر الصبيان
دعواهم
مطروحات
بجهد
ذات
اجند
شياطين
خواندن
وبلخود
داشن
دعواهم
دميد
فانك
كل
دارد
وان
ابن
است
لبنم
الله
الرحمن
الرحيم
بسم
الله
وبالله
والى
الله

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين

أمر الصلوات

بسم الله ولا غالب إلا الله وهذا كتاب من الله العلي العظيم ومن قرأه
 خاتم سليمان بن داود وهو ملك الجن والشياطين وكل بناء وقولها
 التي خرج منها الأرض كان أو يكون لصاحب هذا الكتاب من الزلازل
 والتوابق والقبيلان وأم القبيلين من الدهش والأدمن وجميع الأرواح
 الخبيثة عرفت عليكم باسمع الجن وبأسماء الأرواح ان كنتم
 من الأرواح اليهوديين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح اليهوديين
 من مفسرين بربكم وهو الله الواحد القهار والكبير وتبيكم موسى
 بكتابكم التوريتي وان كنتم من الأرواح الجوسيين فتبارك الله لعن
 الخالقين بربكم وهو الواحد القهار وتبيكم داود وبكتابكم التوريتي
 فتبارك الله رب العالمين وان كنتم من الأرواح الصرايين
 فلا عرفت عليكم أسماء الأرواح الصرايين بربكم وهو الله الحافظ
 بتجاروت بربكم وبكتابكم الأضيل فتبارك الله الحفظ العاطفين
 وانتم ان كنتم من الأرواح المسلبين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح
 المسلبين بربكم وهو الرحمن الرحيم للملك القدوس السلام الأمان
 المحيي ويميتكم محمد المصطفى وبكتابكم القرآن العظيم يا أيها الذين
 آمنوا وعوف وحروف فإن عرفت عليكم بغير الأرواح فتبارك الله
 الحفظ الحافظين آمنتم أيها النجاهلون ان كنتم من الجوسيين يا

بسم الله ولا غالب إلا الله وهذا كتاب من الله العلي العظيم ومن قرأه
 خاتم سليمان بن داود وهو ملك الجن والشياطين وكل بناء وقولها
 التي خرج منها الأرض كان أو يكون لصاحب هذا الكتاب من الزلازل
 والتوابق والقبيلان وأم القبيلين من الدهش والأدمن وجميع الأرواح
 الخبيثة عرفت عليكم باسمع الجن وبأسماء الأرواح ان كنتم
 من الأرواح اليهوديين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح اليهوديين
 من مفسرين بربكم وهو الله الواحد القهار والكبير وتبيكم موسى
 بكتابكم التوريتي وان كنتم من الأرواح الجوسيين فتبارك الله لعن
 الخالقين بربكم وهو الواحد القهار وتبيكم داود وبكتابكم التوريتي
 فتبارك الله رب العالمين وان كنتم من الأرواح الصرايين
 فلا عرفت عليكم أسماء الأرواح الصرايين بربكم وهو الله الحافظ
 بتجاروت بربكم وبكتابكم الأضيل فتبارك الله الحفظ العاطفين
 وانتم ان كنتم من الأرواح المسلبين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح
 المسلبين بربكم وهو الرحمن الرحيم للملك القدوس السلام الأمان
 المحيي ويميتكم محمد المصطفى وبكتابكم القرآن العظيم يا أيها الذين
 آمنوا وعوف وحروف فإن عرفت عليكم بغير الأرواح فتبارك الله
 الحفظ الحافظين آمنتم أيها النجاهلون ان كنتم من الجوسيين يا

بسم الله ولا غالب إلا الله وهذا كتاب من الله العلي العظيم ومن قرأه
 خاتم سليمان بن داود وهو ملك الجن والشياطين وكل بناء وقولها
 التي خرج منها الأرض كان أو يكون لصاحب هذا الكتاب من الزلازل
 والتوابق والقبيلان وأم القبيلين من الدهش والأدمن وجميع الأرواح
 الخبيثة عرفت عليكم باسمع الجن وبأسماء الأرواح ان كنتم
 من الأرواح اليهوديين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح اليهوديين
 من مفسرين بربكم وهو الله الواحد القهار والكبير وتبيكم موسى
 بكتابكم التوريتي وان كنتم من الأرواح الجوسيين فتبارك الله لعن
 الخالقين بربكم وهو الواحد القهار وتبيكم داود وبكتابكم التوريتي
 فتبارك الله رب العالمين وان كنتم من الأرواح الصرايين
 فلا عرفت عليكم أسماء الأرواح الصرايين بربكم وهو الله الحافظ
 بتجاروت بربكم وبكتابكم الأضيل فتبارك الله الحفظ العاطفين
 وانتم ان كنتم من الأرواح المسلبين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح
 المسلبين بربكم وهو الرحمن الرحيم للملك القدوس السلام الأمان
 المحيي ويميتكم محمد المصطفى وبكتابكم القرآن العظيم يا أيها الذين
 آمنوا وعوف وحروف فإن عرفت عليكم بغير الأرواح فتبارك الله
 الحفظ الحافظين آمنتم أيها النجاهلون ان كنتم من الجوسيين يا

أمر الصلوات

عرفت عليكم يا أيها الذين آمنوا وعوف وحروف ان لا تقر بواصاحب
 هذا الكتاب لا في الليل ولا في النهار ولا في سحر ولا في حصر ولا
 وأعيده بيمين التوريتي ولا بيمين الأضيل والتوريتي بآيات القرآن وبكاتبها
 لآلة الإله أنت سبحانك ان كنت من الظالمين فاستجيب الدعوات
 من العيم وكذلك بيمين المؤمنين لا إله إلا الله العلي العظيم العلي
 العظيم الكبير المتعال الحي القيوم المشان الواحد الصمد الواحد
 القهار المعز المذل الذي لا يلد ولا يموت ولا يلد ولا يموت ولا يلد ولا يموت
 آية الكرسي الى وهو العلي العظيم كجبار القديم التبارك العظيم القهار
 القوي سيد الله آله لا اله هو الملك القدوس وأولو العليم فأمم بالليل
 لآلة الإله هو العزيز الحكيم ان الذين عند الله السلام حتمت هذا
 التعويد بسم الله العظيم العلي تعالى الله عما يصفون وبأسمهم
 وآله وسلم تسليما كثيرا كبيرا المن علق عليه صغيرا كبيرا ذكر الأرواح
 أنقى حوا الأوعيد وبيمين الله تعالى وبخاتم سليمان بن داود و
 بخاتم اصف بن برخيا وبخاتم شعيب النبي وبخاتم يوسف بن
 زون وبخاتم يعقوب ويوسف وبخاتم يحيى وذكرا يا ذا كبرياواتنا
 لتبشرك بسلام انهم يحيى كتحصل له من قبل يمينا وبخاتم عيسى بن
 مريم وبخاتم محمد ويمين مائة وأربع عشر سورة وحررها وكلامها

بسم الله ولا غالب إلا الله وهذا كتاب من الله العلي العظيم ومن قرأه
 خاتم سليمان بن داود وهو ملك الجن والشياطين وكل بناء وقولها
 التي خرج منها الأرض كان أو يكون لصاحب هذا الكتاب من الزلازل
 والتوابق والقبيلان وأم القبيلين من الدهش والأدمن وجميع الأرواح
 الخبيثة عرفت عليكم باسمع الجن وبأسماء الأرواح ان كنتم
 من الأرواح اليهوديين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح اليهوديين
 من مفسرين بربكم وهو الله الواحد القهار والكبير وتبيكم موسى
 بكتابكم التوريتي وان كنتم من الأرواح الجوسيين فتبارك الله لعن
 الخالقين بربكم وهو الواحد القهار وتبيكم داود وبكتابكم التوريتي
 فتبارك الله رب العالمين وان كنتم من الأرواح الصرايين
 فلا عرفت عليكم أسماء الأرواح الصرايين بربكم وهو الله الحافظ
 بتجاروت بربكم وبكتابكم الأضيل فتبارك الله الحفظ العاطفين
 وانتم ان كنتم من الأرواح المسلبين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح
 المسلبين بربكم وهو الرحمن الرحيم للملك القدوس السلام الأمان
 المحيي ويميتكم محمد المصطفى وبكتابكم القرآن العظيم يا أيها الذين
 آمنوا وعوف وحروف فإن عرفت عليكم بغير الأرواح فتبارك الله
 الحفظ الحافظين آمنتم أيها النجاهلون ان كنتم من الجوسيين يا

بسم الله ولا غالب إلا الله وهذا كتاب من الله العلي العظيم ومن قرأه
 خاتم سليمان بن داود وهو ملك الجن والشياطين وكل بناء وقولها
 التي خرج منها الأرض كان أو يكون لصاحب هذا الكتاب من الزلازل
 والتوابق والقبيلان وأم القبيلين من الدهش والأدمن وجميع الأرواح
 الخبيثة عرفت عليكم باسمع الجن وبأسماء الأرواح ان كنتم
 من الأرواح اليهوديين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح اليهوديين
 من مفسرين بربكم وهو الله الواحد القهار والكبير وتبيكم موسى
 بكتابكم التوريتي وان كنتم من الأرواح الجوسيين فتبارك الله لعن
 الخالقين بربكم وهو الواحد القهار وتبيكم داود وبكتابكم التوريتي
 فتبارك الله رب العالمين وان كنتم من الأرواح الصرايين
 فلا عرفت عليكم أسماء الأرواح الصرايين بربكم وهو الله الحافظ
 بتجاروت بربكم وبكتابكم الأضيل فتبارك الله الحفظ العاطفين
 وانتم ان كنتم من الأرواح المسلبين فإن عرفت عليكم أسماء الأرواح
 المسلبين بربكم وهو الرحمن الرحيم للملك القدوس السلام الأمان
 المحيي ويميتكم محمد المصطفى وبكتابكم القرآن العظيم يا أيها الذين
 آمنوا وعوف وحروف فإن عرفت عليكم بغير الأرواح فتبارك الله
 الحفظ الحافظين آمنتم أيها النجاهلون ان كنتم من الجوسيين يا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ

وَأْمُرُ نَهْيِي بِإِذَا الْجَلْدُ وَالْإِكْرَامُ وَالْجَمَالُ وَالْبَهَاءُ إِحْظَ عَبْدَكَ
 الضَّعِيفِينَ مِنْ هَذِهِ الْأَقِيَّةِ أَمْ الْبُصِيانِ وَمِنْ كُلِّ ذِي شَيْءٍ مِنْ كُلِّ هَلْمِيَّةٍ
 وَمِنْ شَرِيفَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ عَنْ جَلْبَاهِهَا وَتَهْلِبُهَا وَحَوَائِجِهَا وَتَحْمِلُهَا
 عَلَيْكَ كَالنَّعِيشِينَ بِأَجَارِ الْكُجَرِ بِأَجَارِ النَّحِيرِ بِأَدْيَانِ قَوْمِ الْبُهَيْنِ
 وَشَرِيفِي الْمَلِيحِينَ وَيَحِي إِيَّاهُ مِنْ سَلِيمَانَ وَإِيَّاهُ لِيَمِ اللَّهُ الرَّحِيمُ الْإِلَهَ
 تَعْلُو أَعْلَى وَأَوْتُونَ مَلِيحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
 الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الدَّانِ بِإِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ دَبَّ
 التَّمَوَاتِ السَّبْعِ بِإِلَهَ الْعَالَمِينَ بِحَيْثُ ظُهُ وَبُيُوسُ وَكَيْسُ وَحَسَقُ
 وَيَحِي الْوَالِدِي أَحَدًا الْقَمَلِي الْقَمَدِي الَّذِي كَرِيذُهُ لَوْ كَرِيذُهُ لَوْ كَانَ لَهُ
 كَفُو أَحَدِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
 الْقَلْبُ الْعَظِيمُ مُنْجِلُ اللَّهِ وَقَلْبُ عَامِ صَفُونَ رَجَبِ الْعَرْشِ الْكَبِيرِ
 تَهْلِكُ فِيهِ رَجَبِ الْعَالَمِينَ كَأَنَّكُمْ يَوْمَ بَرُونَ مَا يُوَعْدُونَ كَلَيْتُوا إِلَّا
 سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَغَ قَهْلُهُمْ الْفَلَاحُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ كَأَنَّكُمْ يَوْمَ
 بَرُونَ نَهَالَهُ لَيْتُوا الْأَعْيُنِيَّةُ أَوْ مِثْلَهَا بِالْخَالِصِ عِيْفِيْنَ مِنْ خَلِصِ مِنْ
 يَمَلُ عَلَيْهِ هَذَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَطَمَحْنَا أَوْرَابَ السَّمَاءِ بِمَاءِ
 مَنَهْرِي وَتَجْرَمَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَاتَقْنَا الْمَاءَ طَ أَمْرًا قَدِيدًا وَيَوْمَ
 لَشَقَّ الْمَاءُ بِالنَّمَاءِ وَبُرْزُلَ الْمَلَأَكَةَ تَشْرِبُ الْمَلَأَكَةُ يَوْمَئِذٍ تَحْمُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ

لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا أَنْ حَبِثَ الْمَاءُ صَبَابًا ثُمَّ
 تَقَطَّقْنَا الْأَرْضَ سَقًا فَابْتَدَأْنَا بِإِضْحَاجِكُمْ وَعَيْنًا لَوْ حَسِبْتُمْ أَنَّكُمْ
 تَخَذَلُونَ عَلَيْهَا فَلَيْتَكُمْ وَأَبَتْ أَعْيُنُكُمْ وَأَنفُسُكُمْ فَكَلِمَاتُ الْمُنَافِقِينَ
 بَيْنَهُمُ اللَّهُ الرَّحِيمُ الْبَاقِعُ الْمُنَافِقِينَ الْبَاقِعُ اللَّهُ مَا تَقَدَّرَ
 مِنْ ذَنْبِكُمْ وَمَا تَقَدَّرَ وَيَسْتَمِعُ نَفْسَ عَيْتِكُمْ وَيَهْدِيكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
 لَوْ يَبْصُرُكَ اللَّهُ تَصْرَاعِي بِرَأْسِ الْأَرْضِ الْبُرْدِينَ كَفَرُوا أَنَّ التَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 كَانَتْ أَرْضًا تَقَطَّقْنَا حَقًّا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ حَمَلًا تَقِي حَقًّا أَوْلَى مُؤْمِنُونَ
 إِنَّا السَّمَاءُ أَنْشَقْنَا وَوَدِدْنَا لِيَهَابُ حَسَّتْ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ
 مَا فِيهَا وَتَطَفَّتْ وَيَلْحَقُ أَنْزَلَهُ وَيَلْحَقُ نَزْلَهُ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا نَبِيًّا
 وَبَيِّنَاتٍ أَنْ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يُقِيلُ الصَّالِحِينَ فَإِنْ
 تَوَكَّرْتُمْ أَفْعَلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ
 إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْإِسْحَاقَ وَرَبُّ جِبْرَائِيلَ
 وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَائِيلَ وَعِزْرَائِيلَ وَأَعْيُنَ مَنْ خَلَقَ عَلَيْكَ فِي
 هَذَا بِأَنْبِيَاءِ الْأَكْبَرِ وَبِكَلِمَاتِ الثَّمَنَاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ
 بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ وَيَأْتِيَهُ اللَّهُ لِكُنْفَى وَيَصْرِفُ مَمْلُوكَاتِ اللَّهِ عِظَمِيَّةٍ
 وَعِزَّتِي وَجِبْرِئِيَّةٍ وَعِزَّتِي وَعِزَّتِي وَكُرْسِيِّ وَمَنْ شَرُّ مَنَاطِقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ
آمُرُ بِالْقِسْطِ وَأُخِي بِيَوْمِ الدِّينِ

۵۸
اعمال الصالحين
 وقد وردت من شير الصاميت والتايق والظاهر والباين والشاهيد
 والغائب والغامى والراجح ومن شير كل ذاتية في البر والبحر والسموات
 والارض والسموات والارض حريتا وحبتي او صبيح او قاعد او قائما او يقظانا
 او ساكن القباب الظلمة واعيد من علق عليه كتاب هذا وهو خير الله
 حيث ما كان معه ويحيث ما كان معه ويحيث ما كان او كان ما
 كان والله معزة وولاية وحافظه وحارسه وفايته من غير او غير من
 ضلوه من عين او نسي او نسي بملك الله لا قوة الا بالله و
 يا ذين الله ويا الله ختمت ويا الله فحمت واعيد يا الله الواحد الاحد القمد
 الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واعيد يا الله رب العالمين
 من شير ما خلق ومن شير غيبه من شير ما خلق ومن شير ما خلق في العباد
 من شير ما خلق يا احد واعيد يا الله رب العالمين ملكه الناس الى الله
 من شير النوايس النوايس الذي كوسوس في صدور الناس من الشيطان
 والناس اللهم انظف عذقتك صلح هذا العوينة من محمد عبدك
 الكريم واله وكلامك الجيد صلى الله على محمد واله الحسين الطيبين
 الظاهرين والباطنين **الحصا جندوري** في حديث الطاهرين
 از نسخه معتبره صحیح من کوراست که اگر کسی را جن گرفته باشد و بخواند
 او را اجال بیاوردند اگر جن منظرش میاید میاورد و ظرف ابی و در پیش

۵۹
الحصا جندوری
 فلخوش بگذارد و باو بگردد اب نظر کند و بخورد تخم اسپند بناو بخواند
 غزبه شروع نموده بخواند تا بنظرش بیاید اگر چهار نفر یا هفت نفر به
 نظرش آمدند باید بگوید باذن استادی که او را اجازه داده یکی از
 شماها برو و قطیر را بیاورد باز شروع در خواندن نماید تا وقتی که قطیر
 را حاضر نمایند از ناخوش پیرسد هر وقت او را آوردند بمن بگو بعد از
 آمدن او را خوش آمد نموده با بنطریق که خوش آمد صفا آوردی دست
 کشیدی عرض از رحمت دادن شما این است که بروید شیخ مرشد را
 بزودی برداشته حاضر کنی باز شروع در خواندن نماید تا وقتی که
 شیخ را حاضر نمایند او را نیز بطریق سابق خوش آمد نموده همان لفظ
 بگوید که عرض از رحمت دادن شما این است باذن فلا مکس بروید
 تخت پادشاه یعنی شاه کاظم را بابتخت بزودی بیاورید باز شروع
 در خواندن کند تا پادشاه را بابتخت حاضر سازند او را نیز یاد خوش
 آمد نموده بگوئید عرض از رحمت دادن شما این است که بعضی مطالب
 بشما عرض کنم اولی بفرستید که یک گوسفند از گله کافر ستم بیاید
 بعد بگوید که گوسفند را سر بریده بپزند بخورند و قدی نمک هم
 در آب بریزند بنخوش بگوئند که اگر تو را تکلیف نمایند تو هم بخور
 قبول نکند و بخورد باز شروع در خواندن کند تا گوسفند را بخورند

من شير النوايس النوايس الذي كوسوس في صدور الناس من الشيطان والناس اللهم انظف عذقتك صلح هذا العوينة من محمد عبدك الكريم واله وكلامك الجيد صلى الله على محمد واله الحسين الطيبين الظاهرين والباطنين

من شير النوايس النوايس الذي كوسوس في صدور الناس من الشيطان والناس اللهم انظف عذقتك صلح هذا العوينة من محمد عبدك الكريم واله وكلامك الجيد صلى الله على محمد واله الحسين الطيبين الظاهرين والباطنين

در کتاب معارف... انحصار جنده... علامه...

بیدار بودی که کنی بجای شکر بر زنگی بر زنگی و ان کنتم یهودیتا
و نصرانیتا و مجوسیتا و هندیتا و سرفیتا و عربیتا و اذیمیتا اولمیتا
یا احسن الجوس و الجوسیتة و النصران و النصرانیتة فم قلب ببح
آدم و بنات خرافت علیکم بتوزیة موسی و لیل علی و زبور
داود و فرقان محمد تم اتغیونی الی الخلیف هذا یعنی آنکوش و شکرش
و تجویز ایشان لقتل لوفظکون عظیم آیتوهن فاجوابینا هلیکا
ملیکا نبقیما اطارشا طورشا یازهن بارجم آجیو این اذهن
نقطی بخرمتم شسته طلع و بخرمتم سکیمان بن داود و نقش
انجام و مایب ایضوا حاجت و ان لاط الله علیکم شواظ ملکه
من نادر و لا غاس فلا نصران یصربون و جوهرکم و آیدیکم باین
شیخ محمد نام استاد دیبرد که اجان باور داده و در وقت حرس
کردن سه مرتبه باید گفت انضیر فوا و ما محمد اذ رسول قد خلت
من قبله الرسل اما هر وقت برای ازادی غزمت کند دو مقال
نقره در آب اندازد و او بعلق بمغز مردار خودش میداند هر چه
صرف کند مختار است و باید هر چه از این یابن پیدا کند هر سال
عشر از اجبهه مرشد مضدق کند تا خطا واقع نشود اما غزیمه
که باید خواند اذیت شده یا کشته چنان بحال بیاید این است

در کتاب معارف... انحصار جنده... علامه... در وقت حرس کردن سه مرتبه باید گفت... انضیر فوا و ما محمد اذ رسول قد خلت من قبله الرسل... عشر از اجبهه مرشد مضدق کند تا خطا واقع نشود... که باید خواند اذیت شده یا کشته چنان بحال بیاید این است

در وقت حرس کردن سه مرتبه باید گفت... انضیر فوا و ما محمد اذ رسول قد خلت من قبله الرسل... عشر از اجبهه مرشد مضدق کند تا خطا واقع نشود... که باید خواند اذیت شده یا کشته چنان بحال بیاید این است

در کتاب معارف... انحصار جنده... علامه...

علیکم یا جن العزیمه الی عمر بهار رسول الله و یکن بن ابطال
علی بن واد الصفراء فاجابوا و اطاعوا لما اجبت و اطعت و خرجت
عنه یحیی و نزل من القران ما هو یضاه و رحمته للعالمین و لیکن
باید خواند تا بحال بیاید و غزیمه باید خواند تا اجتهایمکه موزی
بیمارند در شیشه بروند لبر حیکه ذکر شد این است آخذتک
و ربطتک مثل ما آخذ سکیمان بن داود کا الشبا طیرد با تخس
و العذاب و القیود اغیر علیکم بالذی یختر خجل و قاله ان لا
تخرج من علیه القار و دة الا باذن فلان نام استاد دیبرد
که او را اجازه داده اعلوا ان الله علی کل شیء عاظم
یعنی لبتی بقطش بر سه بار العجل سه بار الوحاسه بار الساعه
غزیمه که باید خواند از برای مریضی که جن بنظرش نیاید سه روز
اگر خوب نشد زیاد تر هر روز سه بار باید خواند و ان این
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق
السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین کفرنا
بر کبیریم بعد لون غزمت علیکم یا مفسر الجن و الجنه و الیهود
و الیهودیتة و النصران و النصرانیتة و المؤمنین و المؤمنات و
المسلمین و المسلمات بقرمت الله و غزیمه رسول الله و ال

در وقت حرس کردن سه مرتبه باید گفت... انضیر فوا و ما محمد اذ رسول قد خلت من قبله الرسل... عشر از اجبهه مرشد مضدق کند تا خطا واقع نشود... که باید خواند اذیت شده یا کشته چنان بحال بیاید این است

در وقت حرس کردن سه مرتبه باید گفت... انضیر فوا و ما محمد اذ رسول قد خلت من قبله الرسل... عشر از اجبهه مرشد مضدق کند تا خطا واقع نشود... که باید خواند اذیت شده یا کشته چنان بحال بیاید این است

اطلاعات ...
انحصار اجتناب
طیقا لیا علیا ...
دود دهد ...

وَعَزَمْتُ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ ابْتَدَأَ وَعَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِكُلِّ اسْمٍ فِي
التَّوْرَةِ وَبِكُلِّ سُورَةٍ وَكَلِمَةٍ وَحُرُوفٍ فِي التَّوْرَةِ فَمَنْ أَخْرَجَ يَأْتِيهِ
يَا مَلْعُونٌ يَا مَلْعُونَةٌ يَا شَقِيٌّ يَا شَقِيَّةٌ يَلِدُ مَا يَرْجِعُ يَا آتَةً يَا ذَاخِرَةً يَا طَلَّةً
مِنْ جَدِّ فُلَانٍ نَامٍ مَرِيضٍ رَابِعٌ مِنْ جُحَى إِلَى الْعَظِيمِ وَمِنْ الْعَظِيمِ إِلَى الْعَظِيمِ
وَمِنْ النَّجْمِ إِلَى النَّجْمِ وَمِنْ الْهَيْمِ إِلَى الْجِلْدِ وَمِنْ الْجِلْدِ إِلَى بَيْنِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
فَمَنْ أَخْرَجَ بِأُذُنِ اللَّهِ وَبِقُوَّةِ اللَّهِ وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ وَبِعِزَّةِ اللَّهِ وَبِجَلَالِ اللَّهِ
وَبِحَمْدِ اللَّهِ وَبِعِظَمَةِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ أَنْتَ أَوْ هِيَ
عَلَيْكُمْ بِكُلِّ اسْمٍ فِي الْأَنْجِيلِ بِكُلِّ سُورَةٍ وَكَلِمَةٍ وَحُرُوفٍ فِي الْأَنْجِيلِ تَالَا اللَّهُ
الْأَهُوَ كَمَا فِي التَّوْرَةِ نَوَاشِئَ شِدَا بَدَأَ وَأَنْتَ آتَاهُ رَفَاتٌ وَعَزَمْتُ
عَلَيْكُمْ بِكُلِّ اسْمٍ فِي التَّوْرَةِ وَبِكُلِّ سُورَةٍ وَكَلِمَةٍ وَحُرُوفٍ فِي التَّوْرَةِ تَالَا اللَّهُ
الْأَهُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَعَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِكُلِّ اسْمٍ فِي الصَّحْفِ وَبِكُلِّ سُورَةٍ إِلَى
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِكُلِّ اسْمٍ فِي الْقُرْآنِ وَبِكُلِّ سُورَةٍ وَكَلِمَةٍ وَ
حُرُوفٍ وَأَمْرِ وَتَهْمٍ فِي الْقُرْآنِ فَمَنْ أَخْرَجَ تَالَا اللَّهُ الْإِلَهَ الْوَاحِدَ الْقَيُّومَ
وَدَرَّ عَنْ نَمَلٍ أَنْ تَمُوتَ بِمَنْ أَخْرَجَ بِجَوَادِ تَالَا إِلَهَ الْإِلَهَ مَكْرُورًا فِي بَرِيَّةٍ
أَمْزِجِي فِي بَكْرِ بَدَاؤِ الْكَنْعَةِ طُوبَى يَا مَجْرَمَةَ هَوَسَ كَلِمَةُ اللَّهِ وَإِنْ تَصْرَأَ
بِعِزَّةِ اللَّهِ عَيْنِي رُوحَ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُمْ سَلِيمًا بِمَجْرَمَةِ تَجَلُّدِ رَسُولِ اللَّهِ أَنْ تَلَا
تَقْرَأُوا هَذَا الرَّسْمَ إِذَا كُنْتُمْ بِأَسْتِطَاعَةِ الْمَرْيَمِ وَالْأَسْلَاطِ اللَّهُ فَلْيَكُنْ

این طاهر است ...
بسیار درد ممانج ...
رفع زکات ...
بهرتر است ...
یا نه این طاهر است ...
از خواج معلوم ...
منه خیزده ...
یا نه این طاهر است ...
کند تا معلوم شود ...

۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱

۱۳۵۳۳۳۳۳۳۳۳۳
۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱
انحصار اجتناب
دود دهد ...

سَوَاطِمَ مَلَائِكَةٍ مِنْ نَارٍ وَنَحَاسٍ فَلَا تَنْصَرِفُ بَصِيرَةُ بَرٍّ وَجُوهِكُمْ
وَأَيْدِيكُمْ بَادِنِ فُلَانٍ كَمَا بَاوَاجِزَهُ دَادَهُ لِنَفْسِي بِكَرْهِيَّةٍ حَسْبُ
مِنْ أَرْجَلِهِ مَجْرَبَاتٍ اسْتَدْرَجَ وَمَصْرُوعٍ وَاقْفِي هَفْتِي تَبِ حَسْبُ
وَهَرِّ كَمَا بَخْرٌ أَنْ جِنِّهَا تَمَامٌ حَاضِرٌ شُونَ وَآكَرٌ دَرْمِيَانِ دَوَائِكُمْ خُودِ
بِهَمَدٍ تَمَامٌ حَاضِرٌ شُونَ وَمَصْرُوعٍ تَمَامٌ رَادِيده سَوَالِ وَجِواب تَمَامِ
دَرْخَوَانِ بَكْرِي دَرِيمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ
بَرَسِي أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ
أَشَدُّ هَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ وَهَسَّ
وَصَدَّعْ دَعَاءَهُ دَنِيكَرُوسَ از دِيوان و پَرِيان رَدَه باشد نَبِيَّ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا مَلِكُ الزَّيْتَانِ أَجِيبُوا إِلَى اللَّهِ نَاجٍ
نَاجٍ بَوَارِيشِي بُوَرِيشِي حَدَّثَ هِدَايَةَ مَكْدَبِي بِنَهَاءِ مَتَجَاجٍ
هَلْ هَلْ مَقْلَهَلِ الْفِي أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ أَيُّمُ
يَا مَقْرُوسِيَّةَ طَيَّبَةَ نُورًا وَلَا نُوْرًا حَتَّى تَحْتَاحَقًّا حَقًّا أَنْ يَكُنِيْنَا
وَأَجِيبِي مَحْتَرَبِي وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ لَمْ
جَنِيَانِ و دِيوان و پَرِيان و هَمَدِ پَرِي و مَجْرَمَ و كَافِرِ مِلْمَانِ صَاحِبِ
دَعْوَتِ حَاضِرِ شُونِ دَرِ مَضْرُوتِ وَرَجِ وَأَسِيبِ ارشامِ بَصَاحِبِ اِنِ
دَعْوَتِ رَسِيدِ بَاشد مِيرُون كِنِيدَارِ سِجْدِ شَصْتِ وَشَشِ دُكْ

این طاهر است ...
بسیار درد ممانج ...
رفع زکات ...
بهرتر است ...
یا نه این طاهر است ...
کند تا معلوم شود ...

دود دهد ...
۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱
۱۱۱۱۱

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰

چهار صد و چهل و چهار پارچه استخوان و هفت اندام او بیرون رود و در
 بگرد و پیرامون او نگرید و دست رنج از او باز دارد بغیر از آنکه در وقت
 الله و حکمت الله و بحسب سیکمان بن داود یا معشر الازواج تمسح
 باذن الله تمسح اهیائش اهیائذون آصابوت یا مفوس طوس
 منطوس استخوانش برده و بحسب فرزند یا نور یا الاله لایات و بحسب
 عزمت علیکم یا بکافوش ملک ایمن و العرب و العجم بحسب آنکه
 و آبرک و آخوک و انوار اهیائت ملک انوار اصدا که هو له ختمت لهما
 منیرا عجل عجل یا بکافوش یا بکافوش بحسب رب العالمین باسم
 فلان بن فلانة یا رب العالمین و قل او حی را تا آخر بخواند که حاجت
 گردند بحول الله تمسح ایضا ناخوشی که عش و انشاء عارض شود در ده
 ناخوش درود کرده که بحال میاید غلیقا ملیقا ملیقا حاقوق ملوق
 ساقوق لافوق ۱۳۳۱۵۴۴ و بعد از اتمام احضار دعاها و احرا
 که مذکور شد مثل ام الصبیان و حوز کبیر غیره را بنویسند و بر او بند
 و اگر دعای سیفی و علوی مصری برای جن زده با خورد داشتن نباید
 تمام دارد و ایندها با تر تبار بازوی او بندند بسم الله الرحمن الرحیم
 یا تمخیا یا مشطیا یا نماحیا یا نفضه یا هانه یا سطلطنی یا شیخ
 یا شیطیع یا طور یا رطی یا بالوکی یا شمیا یا طوشیا یا منفسیا یا کریمیا

این دعا را در روز پنجشنبه بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند

این دعا را در روز پنجشنبه بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند

این دعا را در روز پنجشنبه بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند

یا مهتل هتا یا داوا باشا یا زیور انا بالفتح یا تمیخا یا شاه میکیا یا دا
 یا ملکا یا شاقی یا ذبر حمتک تیتا الی الله بقیر الامور اللهم یا
 سفیع له یحیحی مہما یا شمل وزمره بحسب هذا الخاتم و قل
 جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا و تنزل من القران
 ما هو شفاء و رحمة للؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا
 یا معشر ایمن و الا لیس ان استطعتم ان تغذوا من اطباق النعمان
 و الارض فانفذوا لا تغذون الا بسطان و بحسب انه من سلیمان
 و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تغلوا علی و اوقن مسلمین حمتک

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰

بحسب ما لله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین بحسب هذا الشكل
 ۸ ۱ ۱۸ ۱۶ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰
 ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰
 ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰
 ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

این دعا را در روز پنجشنبه بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند

این دعا را در روز پنجشنبه بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند
 هر روز یک بار بخواند

بسم الله الرحمن الرحيم
 يا ارحم الراحمين
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم

بسم الله الرحمن الرحيم قد يم ازل يزيل العلل وهو قائم ازل باكل
 يزيل العلل ليزل ولا يزال بوهمك يا ارحم الراحمين يا حي يا قيوم
 يا روف يا رحيم يا حافظ يا حفيظ يا قهار يا جبار يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم

١٤٥	١٤٦	١٤٧	١٤٨
١٤٩	١٥٠	١٥١	١٥٢
١٥٣	١٥٤	١٥٥	١٥٦
١٥٧	١٥٨	١٥٩	١٦٠

١٦١	١٦٢	١٦٣	١٦٤
١٦٥	١٦٦	١٦٧	١٦٨
١٦٩	١٧٠	١٧١	١٧٢
١٧٣	١٧٤	١٧٥	١٧٦

اعيد كتابك بكتابات الله الثامات واسمائهم الحسنة كلها عامته من شتر

بسم الله الرحمن الرحيم
 يا ارحم الراحمين
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم

بسم الله الرحمن الرحيم
 يا ارحم الراحمين
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم

التامة والهاامة ومن شرعين لامة ومن شتر حاسدا اذ احد سبحا
 يا ارحم الراحمين وارثه يا اله الاطه الرفيع جلاله تجرد
 امواكيل امنا حيل طاطاعيل بوهمك يا ارحم الراحمين معفو بالله
 يا الله آجب دعائي يا رب العالمين ايضا تجر به رسيد استك
 اكر كبر اجزون ومصر وع شه با شد ايند عار در نج سطر بطريقه
 حروفات اورا مفتوح قلعي نمايند و بر بازوه واست او بندند بروك
 شفا يا بدم بسم الله الرحمن الرحيم ونفخ في الصور فصعق من في
 السموات ومن في الارض الا من شاء الله ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم
 قيام ينظرون واشتقت الارض نور ربها ووضع الكتاب وجيء
 بالنتبين والشهداء وقضت بينهم بالحق وهم لا يبطلون وصلى الله
 على محمد واله اجمعين فضل چهار مرتبه ابطال سحر
 در حديث معتبر منقولت كه حضرت امير المؤمنين فرمود كه برآ
 دفع سحر اين تقويد را بر پوست اهو بنويسند و با خود نگاه دارند
 بسم الله وبالله ماشاء الله بسم الله ولا حول ولا قوة الا بالله
 العلي العظيم قال موسى ما جئتكم به السحر ان الله سيطله ان الله
 لا يصلح عمل المفسدين ويحق الله الحق بكلماته ولو كره المجرمون
 فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون فظلموا هؤلاء وانقلبوا صاغرين

بسم الله الرحمن الرحيم
 يا ارحم الراحمين
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم

بسم الله الرحمن الرحيم
 يا ارحم الراحمين
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم

بسم الله الرحمن الرحيم
 يا ارحم الراحمين
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا حي يا قيوم

احضار اجنه

و در روایت دیگر فرمود که اگر از ظالی یا ساحره ترسی بعد از نماز شب
 و پیش از شروع دعا نماز صبح روزه بجانب خانه او کن و هفت نوبت بگو
 بِسْمِ اللّٰهِ يَا اللّٰهُ تَسَلُّتُ عَصَدَكَ يَا حَيْكَةً وَتَجْعَلُ لَكَ سُلْطَانًا فَالْاَيْمُونُ
 اَلَيْكَا يَا اَيَاتِنَا وَمِنْ اَتْبَعَا الْعَالِيُونَ اَيْضًا لِحَمَّةِ اِبْطَالِ سَحَرِ مَا خُودِ اَرْدَلِ
 وَقَدْ مَنَّا اِلَى مَا عَلَمْنَا مِنْ عَمَلِ فَجَعَلْنَا هَبَاءَ مَشْهُورٍ اَوْ جَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ
 سَلَامًا مِنْ خَلْفِهِمْ سَلَامًا فَاعْتَنِيْنَا هُمْ فَهَمْ لَا يَصْرُونَ وَالْقَى التَّحْرِيْمُ سَلَامًا
 قَالُوا اَمَّا نَبَرْتُ الْعَالَمِينَ دَبَّ مَوْسَى وَهَرُونَ قَالِ اَمْنُكُمْ بِهٖ قَبْلَ اَنْ
 اُذِنَ لَكُمْ اِنَّهٗ لَكَبِيْرٌ الَّذِى عَلِمَكُمْ التَّحْرِيْمَ قَالُوا اِنَّ هٰذَا نَسَاخُ اَنْ
 يَرِيْدَانِ اَنْ يَخْرُجَا كَمَا مِنْ اَرْضِكُمْ لِيَجْرَاهَا بَيْنَ كَيْفِمْسٍ وَبَيْنَ حَمَاقِ
 وَبَيْنَ مَعْمٍ بِكُمْ عَمِيْ فَا هَمْ لَا يَمْعُونَ وَلَا يَتَكَلَّمُونَ وَرِخْرَا اَنْتَا
 الرَّاسُ اَوْ اَوْرَدَهُ كَمَا هَرَكِيْ اَيُّو اَتَبْعُوْنَا مَا سَلُوْنَا الشَّيَاطِيْنَ عَلٰى مُلْكِ
 سُلَيْمَانَ اَلِى قَوْلِهِ لَوْ كَانُوْا يَتْلُوْنَ رَا اَز سُوْرَةِ بَقَرَةٍ بِرِضْتِيْ نُوَلِّدُوْ
 بَسْمًا وَجُوْر كُنْدُوْ بَابِ بُوْرِيْدُوْ اَز اَنْ جُوْر دِ سَحَرِ دَر اَوْ اَثَرُ كُنْدُوْ اَكْر
 مَسُوْرِيْ اَشْدُ بَر طَرَفِ كُرْدُوْ اَكْر مَسُوْرِيْ اَبْجُوْنِ يَ اَجْمِ بَدْرِ سِيْدِ اَبْ
 اَز اَنْ اَبْ عَسَلِ كُنْدُ بَر طَرَفِ كُرْدُوْ اَوْرِيْ اَسْتُ كِه اَكْر اِيْ كِه
 وَمَا تَحْمَلُ اِلَّا اَرْسُوْنٌ فَذَخَلْتُ اِلَى غَوْلِهِ وَبَخْرِيْ الشَّكْرِ مِنْ اَز اَل
 عَرَبِ بَر دَا مَن زِيْ نُوَلِّدُ اَلْحَرِ اَبْطَلُوْ اَيْضًا هَرَكِيْ اَيُّو مِنْ يَهْلُوْ

بسم الله الرحمن الرحيم
 احضار اجنه
 در روایت دیگر فرمود که اگر از ظالی یا ساحره ترسی بعد از نماز شب و پیش از شروع دعا نماز صبح روزه بجانب خانه او کن و هفت نوبت بگو بسم الله یا الله تسلطت عصدک یا حیکه و تجعل لک سلطانا فالایمون الیک یا ایاتنا و من اتبعنا العالیون ایضا لِحَمَّةِ اِبْطَالِ سَحَرِ مَا خُودِ اَرْدَلِ وَقَدْ مَنَّا اِلَى مَا عَلَمْنَا مِنْ عَمَلِ فَجَعَلْنَا هَبَاءَ مَشْهُورٍ اَوْ جَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَلَامًا مِنْ خَلْفِهِمْ سَلَامًا فَاعْتَنِيْنَا هُمْ فَهَمْ لَا يَصْرُونَ وَالْقَى التَّحْرِيْمُ سَلَامًا قَالُوا اَمَّا نَبَرْتُ الْعَالَمِينَ دَبَّ مَوْسَى وَهَرُونَ قَالِ اَمْنُكُمْ بِهٖ قَبْلَ اَنْ اُذِنَ لَكُمْ اِنَّهٗ لَكَبِيْرٌ الَّذِى عَلِمَكُمْ التَّحْرِيْمَ قَالُوا اِنَّ هٰذَا نَسَاخُ اَنْ يَرِيْدَانِ اَنْ يَخْرُجَا كَمَا مِنْ اَرْضِكُمْ لِيَجْرَاهَا بَيْنَ كَيْفِمْسٍ وَبَيْنَ حَمَاقِ وَبَيْنَ مَعْمٍ بِكُمْ عَمِيْ فَا هَمْ لَا يَمْعُونَ وَلَا يَتَكَلَّمُونَ وَرِخْرَا اَنْتَا الرَّاسُ اَوْ اَوْرَدَهُ كَمَا هَرَكِيْ اَيُّو اَتَبْعُوْنَا مَا سَلُوْنَا الشَّيَاطِيْنَ عَلٰى مُلْكِ سُلَيْمَانَ اَلِى قَوْلِهِ لَوْ كَانُوْا يَتْلُوْنَ رَا اَز سُوْرَةِ بَقَرَةٍ بِرِضْتِيْ نُوَلِّدُوْ بَسْمًا وَجُوْر كُنْدُوْ بَابِ بُوْرِيْدُوْ اَز اَنْ جُوْر دِ سَحَرِ دَر اَوْ اَثَرُ كُنْدُوْ اَكْر مَسُوْرِيْ اَشْدُ بَر طَرَفِ كُرْدُوْ اَكْر مَسُوْرِيْ اَبْجُوْنِ يَ اَجْمِ بَدْرِ سِيْدِ اَبْ اَز اَنْ اَبْ عَسَلِ كُنْدُ بَر طَرَفِ كُرْدُوْ اَوْرِيْ اَسْتُ كِه اَكْر اِيْ كِه وَمَا تَحْمَلُ اِلَّا اَرْسُوْنٌ فَذَخَلْتُ اِلَى غَوْلِهِ وَبَخْرِيْ الشَّكْرِ مِنْ اَز اَل عَرَبِ بَر دَا مَن زِيْ نُوَلِّدُ اَلْحَرِ اَبْطَلُوْ اَيْضًا هَرَكِيْ اَيُّو مِنْ يَهْلُوْ

احضار اجنه

فی سبیل اللّٰهِ یجد فی الارض فرأعما الی قوله عصفورا رجحا و بر دست
 راست نوشته بلیسد تا هفت روز متوالی در مدت حیوة سحر بر او کار
 نکند شیخ ابو العباس بونی گفت که شرط نیت بر دست راست نوشتن
 و هفت نوبت این عمل کردن بلکه بر هر دست باشد و بکویت کردن همین
 فایده میدهد اما بر وزن گاو باید نوشت و بعضی گفته اند تعلیق این آیه
 نیز ابطال سحر میکند و سوره مبارکه معوذتین را خواندن و بلوغ داشتن
 سحر را باطل میکند و از خواص اسم قایم و واحداست که اگر در اسم را بگو
 امتزاج بر کف مسحور بنویسد سحر باطل گردد و امتزاج ان بدی خطر قی است
 ق و ا ا ح م د و اگر بخورف را نوشته و شسته بگردم گزیده دهند
 ساکن گردد فصل پنجم در دفع چشم بد و در احادیث وارد شده
 که چشم بد را تاثیر می باشد و نیت که بنا باشد ادیر اقبه و شتر را در
 دیک داخل کند پس کسی که چیزی را در خوش آید از کسی آله اکبر بگوید
 و در روایت دیگر فرمود که نام خدا ببرد و از حضرت صادق ع منقولست
 که چون چشم کسی در او باشد و یا چشم او در کسی تاثیر کند سه مرتبه بگوید
 مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا يَحْمِلُ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَفِي مَوْجِدِ كَاهِ اَسْت
 میگو خواهد که از خانه بیرون رود تا چشم بد را و تاثیر نکند معوذتین بخواند
 ایضا فرموده که را اثر چشم بد بدو رسد دستها را برد و بلند کند و سوره

بسم الله الرحمن الرحيم
 احضار اجنه
 در روایت دیگر فرمود که اگر از ظالی یا ساحره ترسی بعد از نماز شب و پیش از شروع دعا نماز صبح روزه بجانب خانه او کن و هفت نوبت بگو بسم الله یا الله تسلطت عصدک یا حیکه و تجعل لک سلطانا فالایمون الیک یا ایاتنا و من اتبعنا العالیون ایضا لِحَمَّةِ اِبْطَالِ سَحَرِ مَا خُودِ اَرْدَلِ وَقَدْ مَنَّا اِلَى مَا عَلَمْنَا مِنْ عَمَلِ فَجَعَلْنَا هَبَاءَ مَشْهُورٍ اَوْ جَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَلَامًا مِنْ خَلْفِهِمْ سَلَامًا فَاعْتَنِيْنَا هُمْ فَهَمْ لَا يَصْرُونَ وَالْقَى التَّحْرِيْمُ سَلَامًا قَالُوا اَمَّا نَبَرْتُ الْعَالَمِينَ دَبَّ مَوْسَى وَهَرُونَ قَالِ اَمْنُكُمْ بِهٖ قَبْلَ اَنْ اُذِنَ لَكُمْ اِنَّهٗ لَكَبِيْرٌ الَّذِى عَلِمَكُمْ التَّحْرِيْمَ قَالُوا اِنَّ هٰذَا نَسَاخُ اَنْ يَرِيْدَانِ اَنْ يَخْرُجَا كَمَا مِنْ اَرْضِكُمْ لِيَجْرَاهَا بَيْنَ كَيْفِمْسٍ وَبَيْنَ حَمَاقِ وَبَيْنَ مَعْمٍ بِكُمْ عَمِيْ فَا هَمْ لَا يَمْعُونَ وَلَا يَتَكَلَّمُونَ وَرِخْرَا اَنْتَا الرَّاسُ اَوْ اَوْرَدَهُ كَمَا هَرَكِيْ اَيُّو اَتَبْعُوْنَا مَا سَلُوْنَا الشَّيَاطِيْنَ عَلٰى مُلْكِ سُلَيْمَانَ اَلِى قَوْلِهِ لَوْ كَانُوْا يَتْلُوْنَ رَا اَز سُوْرَةِ بَقَرَةٍ بِرِضْتِيْ نُوَلِّدُوْ بَسْمًا وَجُوْر كُنْدُوْ بَابِ بُوْرِيْدُوْ اَز اَنْ جُوْر دِ سَحَرِ دَر اَوْ اَثَرُ كُنْدُوْ اَكْر مَسُوْرِيْ اَشْدُ بَر طَرَفِ كُرْدُوْ اَكْر مَسُوْرِيْ اَبْجُوْنِ يَ اَجْمِ بَدْرِ سِيْدِ اَبْ اَز اَنْ اَبْ عَسَلِ كُنْدُ بَر طَرَفِ كُرْدُوْ اَوْرِيْ اَسْتُ كِه اَكْر اِيْ كِه وَمَا تَحْمَلُ اِلَّا اَرْسُوْنٌ فَذَخَلْتُ اِلَى غَوْلِهِ وَبَخْرِيْ الشَّكْرِ مِنْ اَز اَل عَرَبِ بَر دَا مَن زِيْ نُوَلِّدُ اَلْحَرِ اَبْطَلُوْ اَيْضًا هَرَكِيْ اَيُّو مِنْ يَهْلُوْ

۷۲
ابطل سخن
در بیان این که در هر یک از اینها...

حدود توحید معوذتین بخواند و در پیش سر بکشد و مقولت که از
زواره که گفت از برای دفع چشم زخم بد مند بر سوراخ بینی راست
چهار بار در سوراخ بینی چپ بار و در هر بار بگوید بسم الله که با آن
اذھب الناس رب الناس اشف انت ایضا تعویذ بجهت چشم زخم رسیده
اللھم رب مطر جایی و حجری بایی و کلبی دایمی و در طبعی بایی
رد العین و عین العاین و کتیده و سحر و ماله تارج البصر کترین
یقلب الیک البصر خائسا و هو خیر اثم بخواند ماشاء الله که
و ما که یثا لم یکن انھد ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قلب
احاط بکل علما و احصى کلتی عدد اول و احوال و لا قوة الا بالله
و ان یکاد تا اخر سوره را بخواند یا بخورد دارد و ایضا این آیه را در پیش
الیمان آورده جبرئیل به پیغمبر تعلیم فرمود و ان اینست بسم الله ان
من کل عین حاسد الله یثیبک ایضا جهت دفع چشم زخم بنویسد
این کلمات را بر بیضه مرغ جهت ادوی در میان پاهای زمین زند تا شکسته
شود اگر حیوان باشد در میان چشمهای او زند و در وقت سکن
بیضه بگوید بسم الله و بالله و علی اسم الله و اسم العین المعین کلمات
این است جماعت جماعت انجعت انجعت انجعت کلمه دیگر جماعت
انجعت جماعت انجعت انجعت ایضا گفته اند در نسخه دیگر

این کلمات را در میان پاهای زمین زند تا شکسته شود اگر حیوان باشد در میان چشمهای او زند و در وقت سکن بیضه بگوید بسم الله و بالله و علی اسم الله و اسم العین المعین کلمات این است جماعت جماعت انجعت انجعت انجعت کلمه دیگر جماعت انجعت جماعت انجعت انجعت ایضا گفته اند در نسخه دیگر

۷۳
ابطل سخن
در بیان این که در هر یک از اینها...

جات جمعت جمعت انجعت انجعت ایضا گفته اند که از حرم
استد است که هر که از ابا پارچه بکشد و غلیق نماید دفع چشم بد سحر
از او کرد و ایضا از خواص شب است یضاج سفید که چون گوشت
چشم بد رسد از آن بخورد نماید و در انقطعه بخور ثقبه بصورت شکل
و چشم ظاهر کرد و در هر گاه از طرف قبضه خانه شخصی بگذرد هرگز
بد باهل خانه نرسد تعویذ حسنین که جبرئیل برای حسین
آوردند و ان اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا ذا العرش المجید
الکرم و الملیک القدیم و العطاء العیم و الصراط المستقیم و یا منیل
الریاح و یا فایق الاضیاج و یا خالق الارواح و یا ذا الجود و التباه
یا بار یا الله یا بار یا الرحمن یا بار یا رحیم یا بار یا احد بعد یا فرد
یا در تر یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا رحیم ذلی و قهری و قاضی
و انفرادی و خضوعی و خشوعی بین یدیک و اعتباری علیک و
تضرعی الیک رب سهل عن کل عسر و عیس و امنع عنی کل
ظالم و شر کل حاسد و افیه و مرض و یسک و ملاء و و باه و در لریه
و کل علیه و یثینه یا سبوح یا قدوس یا رب الملائکه و الروح و
صلی الله علی محمد و آله اجمعین و سلم قبلما کثیرا کثیرا اللهم یا ذا
السلطان القدیم و الوجه الکرم یا اولی الکلمات الثمان و

این کلمات را در میان پاهای زمین زند تا شکسته شود اگر حیوان باشد در میان چشمهای او زند و در وقت سکن بیضه بگوید بسم الله و بالله و علی اسم الله و اسم العین المعین کلمات این است جماعت جماعت انجعت انجعت انجعت کلمه دیگر جماعت انجعت جماعت انجعت انجعت ایضا گفته اند در نسخه دیگر

۷۴
 الذوات السجابت بحق تكسرن ولكن يالف ولا حول ولا قوة الا
 بالله العلي العظيم فصل شمد رفح الرجال وجل مر بوط و
 مداوى قوة باه و دفع سمحت انزال وغيره و دفعى اوده و ككهم و ير ابسته
 باشند چهار عد بيضه مرغ و پخته و پوست بلذ کرده و برهريك بزعفران
 بنويد و بناشنجود در ساعت گشاده شود ازل فرغ انحق و يطال ما كانوا
 يعكرون دوقم قال موسى ما احبتم به التحيرات الله سيطله ان الله لا يضل
 عمل المضدين سيم اثنا صعو اكنه ساير ولا يطلع السخر حيث ان
 چهارم بل يصدف بلحق على الباطل قديمه قاذور اهورا هوق و لكم
 انويل مينا تصفون ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم نالحر
 دعا كه در فصل دوم باب اول گذشت بمشك دعفران بنويد و باب
 بنويد بيا شامد ايقار سه بيضه بعد پختن و پوست كند بنويد اول
 حني اوار كيا في التيفه حرقها دوقم او كزير الدين كفو ان السموات
 و الارض كانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء كل شى حى
 افلا يؤمنون سيم فاستغلفنا ستوة بس اول راجود و قصد
 كند اگر گشاده شد فيها و الادويم و الاستيم و البته گشاده
 ميشود ان في رعدة الداعي مذکور است بجهت حمل مر بوط ادا اول
 سورة فتح ماصراط مستقيما و سورة اذ احياه نصرته و انما اخر با

۷۵
 رفع الحبال
 ايات نوشته بخورد دارد و من اياته ان خلقكم من انفسكم ازواجاً
 لیتکونوا لیهما و جعل بینکم مودة و رحمة ان في ذلك لآيات ليعرفوا
 یفکرون اذ خلوا علیہم الباب فاذا دخلوه فانیتم خالیون ففتحا
 ابواب السماء میما منھم یروء و تجرینا الارض عیوناً و انزلنا علی
 آملر قد قدرت رب امرح لی صدری و لیتری لمری و اهلل عقدا
 من لساني یفقهوا قولي و ترکنا ابصارهم یومئذ یومح فی بعض و
 لضع فی الصور یجمعناهم جمعاً کذیلد حکلت فلان بن فلان عن
 فلانة بنت فلانة لقد جاتکم رسول من انفسکم غیر علیہ ما عنتم
 حرص علیکم بالمومنین رذوق رحیم یان قوتوا فقل حنی الله لا اله
 الا هو علیہ توکلت و هورت العرش العظیم در کتاب در
 مکنونه اورده که این آیات و اشکار ابر چهار تخم مرغ پوست کند
 بنويد ازل بمصعلد کمال ماصعی کعمال حل عقد فلا
 بن فلان قال موسى ما احبتم به التحيرات ان الله سيطله ان الله لا
 یضلح عمل المضدين دوم مطعل کمال ماصع کعمال
 حل عقد فلان بن فلان و قد منا الی ما عملوا من عمل فجعلناه
 هباءً منثوراً اسم و الارض فرشناها فنعیم الما هدون قلیل
 هنالك و انقلبوا صاعیر بن چهارم یاصع کمال حل عقد

۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴

۷۴
 رفع الحبال
 الذوات السجابت بحق تكسرن ولكن يالف ولا حول ولا قوة الا
 بالله العلي العظيم فصل شمد رفح الرجال وجل مر بوط و
 مداوى قوة باه و دفع سمحت انزال وغيره و دفعى اوده و ككهم و ير ابسته
 باشند چهار عد بيضه مرغ و پخته و پوست بلذ کرده و برهريك بزعفران
 بنويد و بناشنجود در ساعت گشاده شود ازل فرغ انحق و يطال ما كانوا
 يعكرون دوقم قال موسى ما احبتم به التحيرات الله سيطله ان الله لا يضل
 عمل المضدين سيم اثنا صعو اكنه ساير ولا يطلع السخر حيث ان
 چهارم بل يصدف بلحق على الباطل قديمه قاذور اهورا هوق و لكم
 انويل مينا تصفون ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم نالحر
 دعا كه در فصل دوم باب اول گذشت بمشك دعفران بنويد و باب
 بنويد بيا شامد ايقار سه بيضه بعد پختن و پوست كند بنويد اول
 حني اوار كيا في التيفه حرقها دوقم او كزير الدين كفو ان السموات
 و الارض كانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء كل شى حى
 افلا يؤمنون سيم فاستغلفنا ستوة بس اول راجود و قصد
 كند اگر گشاده شد فيها و الادويم و الاستيم و البته گشاده
 ميشود ان في رعدة الداعي مذکور است بجهت حمل مر بوط ادا اول
 سورة فتح ماصراط مستقيما و سورة اذ احياه نصرته و انما اخر با

۷۴
 رفع الحبال
 ايات نوشته بخورد دارد و من اياته ان خلقكم من انفسكم ازواجاً
 لیتکونوا لیهما و جعل بینکم مودة و رحمة ان في ذلك لآيات ليعرفوا
 یفکرون اذ خلوا علیہم الباب فاذا دخلوه فانیتم خالیون ففتحا
 ابواب السماء میما منھم یروء و تجرینا الارض عیوناً و انزلنا علی
 آملر قد قدرت رب امرح لی صدری و لیتری لمری و اهلل عقدا
 من لساني یفقهوا قولي و ترکنا ابصارهم یومئذ یومح فی بعض و
 لضع فی الصور یجمعناهم جمعاً کذیلد حکلت فلان بن فلان عن
 فلانة بنت فلانة لقد جاتکم رسول من انفسکم غیر علیہ ما عنتم
 حرص علیکم بالمومنین رذوق رحیم یان قوتوا فقل حنی الله لا اله
 الا هو علیہ توکلت و هورت العرش العظیم در کتاب در
 مکنونه اورده که این آیات و اشکار ابر چهار تخم مرغ پوست کند
 بنويد ازل بمصعلد کمال ماصعی کعمال حل عقد فلا
 بن فلان قال موسى ما احبتم به التحيرات ان الله سيطله ان الله لا
 یضلح عمل المضدين دوم مطعل کمال ماصع کعمال
 حل عقد فلان بن فلان و قد منا الی ما عملوا من عمل فجعلناه
 هباءً منثوراً اسم و الارض فرشناها فنعیم الما هدون قلیل
 هنالك و انقلبوا صاعیر بن چهارم یاصع کمال حل عقد

۷۴
 رفع الحبال
 الذوات السجابت بحق تكسرن ولكن يالف ولا حول ولا قوة الا
 بالله العلي العظيم فصل شمد رفح الرجال وجل مر بوط و
 مداوى قوة باه و دفع سمحت انزال وغيره و دفعى اوده و ككهم و ير ابسته
 باشند چهار عد بيضه مرغ و پخته و پوست بلذ کرده و برهريك بزعفران
 بنويد و بناشنجود در ساعت گشاده شود ازل فرغ انحق و يطال ما كانوا
 يعكرون دوقم قال موسى ما احبتم به التحيرات الله سيطله ان الله لا يضل
 عمل المضدين سيم اثنا صعو اكنه ساير ولا يطلع السخر حيث ان
 چهارم بل يصدف بلحق على الباطل قديمه قاذور اهورا هوق و لكم
 انويل مينا تصفون ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم نالحر
 دعا كه در فصل دوم باب اول گذشت بمشك دعفران بنويد و باب
 بنويد بيا شامد ايقار سه بيضه بعد پختن و پوست كند بنويد اول
 حني اوار كيا في التيفه حرقها دوقم او كزير الدين كفو ان السموات
 و الارض كانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء كل شى حى
 افلا يؤمنون سيم فاستغلفنا ستوة بس اول راجود و قصد
 كند اگر گشاده شد فيها و الادويم و الاستيم و البته گشاده
 ميشود ان في رعدة الداعي مذکور است بجهت حمل مر بوط ادا اول
 سورة فتح ماصراط مستقيما و سورة اذ احياه نصرته و انما اخر با

۷۶
 فتح الرجل
 فلانه بنت فلانه در کما بقصه یوم مثل بموخ فی قبض و یفخ فی الصور
 یجمعنا لهم جمعاً یا مصعل کمال حل عقد فلانه بنت فلانه
 نوع دیگر بر هفت پارچه نان نوشته با اسم مرد مجرد مقطع بمرد
 دهد تا بخورد و در هفت پارچه دیگر بنویسد بزنی دهد بخورد و باید بیخ
 در ساعت سیم روز چهارشنبه باشد در حین نوشتن بر اعداء اهل
 بیت لعنت کند جسد دل سکن قل کور دل و او یا موساد طبع
 می مگر بجز بر رسیک که چهل و یک مرتبه بنویسد را مثل و زعفران بر کوزه
 نونه نویسد و حل کرده بیاشامد ایضا چهار قل و بنویسد بدین
 ترتیب بر خود بنده گشاده شود و وحید بر یازده راست محمد بر یازده
 جب فلق بر دان راست و ناس بر دان چپ بعایت الله تم گشاده شود
 ایضا بنویس بر کاسه آب نرسید و یارب طاب آب نرسید اذ اجاء
 و توحید و معوذتین و فلتحه الکتابه و بعد از آن شش بار یا هفت
 بار آیه قال هذا رحمة من ربی فاذا اجاء و عد ربی حقاً کلا ان ایلانا
 یطغی باران بخواند و بد مذبح نموده معقود بیاشامد در حال
 گشاده گردد ایضا بر سه حله تخم مرغ نوشته بخورد شفا بخشد -
 اختعتن ایضا مازو و چند نرم بگوید و باروغن جوز خیر کند
 در بر کرد که بمالد بر بالای لیس بایستد و قدری مردار سنج در زیر خود

۷۷
 کتابت موی
 بخورد کند ایظلم دار بر کربند گشوده گزنی
 و در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً
 که بر قریفل این افنون را بخواند و بخورد شهوت گشاده گردد و آن هفت
 هفتا سستی ایضا آورده که بنویسد بر بازو و دست بند گشاده
 گردد بعد بسمه الحمد لله رب العالمین اشهد ان کل معبود دون
 عرشک باطل مضیحل دون وجهک الکریم الخور و مکافی و
 اعفی اسالتک یا غنط رب العرش لیس بغافل عما فعلوه هوه
 هوه هوه ایضا یکی از صلواتها نقلند
 که جمعی را بایندها گشودم مجرب و از نموده است بنویسد مرد با خود
 دارد یا طهر حها یا کعبه حها یا المعها یا المعها یا معکها یا
 یا الهططاطعها بسم الله الرحمن الرحیم تضرع من الله و فتح قریب و
 بسم المؤمنین یا محمد یا علی گشودم مردی فلان بن فلان را بر فرج
 فلانه بنت فلانه میرک فاذا استوتیت أنت و من معک علی
 الضلک فقل الحمد لله الذی نجینا من القوم الظالمین رب
 انزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین گشودم شهوت فلان
 بن فلان را بر فرج فلانه بنت فلانه بحق یتیم الله الرحمن الرحیم
 انما فتحنا لک فتحاً مبیناً یتیم الله الرحمن الرحیم اذ اجاء نصر الله

استانه
 و در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً
 که بر قریفل این افنون را بخواند و بخورد شهوت گشاده گردد و آن هفت
 هفتا سستی ایضا آورده که بنویسد بر بازو و دست بند گشاده
 گردد بعد بسمه الحمد لله رب العالمین اشهد ان کل معبود دون
 عرشک باطل مضیحل دون وجهک الکریم الخور و مکافی و
 اعفی اسالتک یا غنط رب العرش لیس بغافل عما فعلوه هوه
 هوه هوه ایضا یکی از صلواتها نقلند
 که جمعی را بایندها گشودم مجرب و از نموده است بنویسد مرد با خود
 دارد یا طهر حها یا کعبه حها یا المعها یا المعها یا معکها یا
 یا الهططاطعها بسم الله الرحمن الرحیم تضرع من الله و فتح قریب و
 بسم المؤمنین یا محمد یا علی گشودم مردی فلان بن فلان را بر فرج
 فلانه بنت فلانه میرک فاذا استوتیت أنت و من معک علی
 الضلک فقل الحمد لله الذی نجینا من القوم الظالمین رب
 انزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین گشودم شهوت فلان
 بن فلان را بر فرج فلانه بنت فلانه بحق یتیم الله الرحمن الرحیم
 انما فتحنا لک فتحاً مبیناً یتیم الله الرحمن الرحیم اذ اجاء نصر الله

۷۷
 کتابت موی
 بخورد کند ایظلم دار بر کربند گشوده گزنی
 و در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً
 که بر قریفل این افنون را بخواند و بخورد شهوت گشاده گردد و آن هفت
 هفتا سستی ایضا آورده که بنویسد بر بازو و دست بند گشاده
 گردد بعد بسمه الحمد لله رب العالمین اشهد ان کل معبود دون
 عرشک باطل مضیحل دون وجهک الکریم الخور و مکافی و
 اعفی اسالتک یا غنط رب العرش لیس بغافل عما فعلوه هوه
 هوه هوه ایضا یکی از صلواتها نقلند
 که جمعی را بایندها گشودم مجرب و از نموده است بنویسد مرد با خود
 دارد یا طهر حها یا کعبه حها یا المعها یا المعها یا معکها یا
 یا الهططاطعها بسم الله الرحمن الرحیم تضرع من الله و فتح قریب و
 بسم المؤمنین یا محمد یا علی گشودم مردی فلان بن فلان را بر فرج
 فلانه بنت فلانه میرک فاذا استوتیت أنت و من معک علی
 الضلک فقل الحمد لله الذی نجینا من القوم الظالمین رب
 انزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین گشودم شهوت فلان
 بن فلان را بر فرج فلانه بنت فلانه بحق یتیم الله الرحمن الرحیم
 انما فتحنا لک فتحاً مبیناً یتیم الله الرحمن الرحیم اذ اجاء نصر الله

۷۷
 کتابت موی
 بخورد کند ایظلم دار بر کربند گشوده گزنی
 و در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً
 که بر قریفل این افنون را بخواند و بخورد شهوت گشاده گردد و آن هفت
 هفتا سستی ایضا آورده که بنویسد بر بازو و دست بند گشاده
 گردد بعد بسمه الحمد لله رب العالمین اشهد ان کل معبود دون
 عرشک باطل مضیحل دون وجهک الکریم الخور و مکافی و
 اعفی اسالتک یا غنط رب العرش لیس بغافل عما فعلوه هوه
 هوه هوه ایضا یکی از صلواتها نقلند
 که جمعی را بایندها گشودم مجرب و از نموده است بنویسد مرد با خود
 دارد یا طهر حها یا کعبه حها یا المعها یا المعها یا معکها یا
 یا الهططاطعها بسم الله الرحمن الرحیم تضرع من الله و فتح قریب و
 بسم المؤمنین یا محمد یا علی گشودم مردی فلان بن فلان را بر فرج
 فلانه بنت فلانه میرک فاذا استوتیت أنت و من معک علی
 الضلک فقل الحمد لله الذی نجینا من القوم الظالمین رب
 انزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین گشودم شهوت فلان
 بن فلان را بر فرج فلانه بنت فلانه بحق یتیم الله الرحمن الرحیم
 انما فتحنا لک فتحاً مبیناً یتیم الله الرحمن الرحیم اذ اجاء نصر الله

استانه
 و در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً در وقت نماز جمعاً
 که بر قریفل این افنون را بخواند و بخورد شهوت گشاده گردد و آن هفت
 هفتا سستی ایضا آورده که بنویسد بر بازو و دست بند گشاده
 گردد بعد بسمه الحمد لله رب العالمین اشهد ان کل معبود دون
 عرشک باطل مضیحل دون وجهک الکریم الخور و مکافی و
 اعفی اسالتک یا غنط رب العرش لیس بغافل عما فعلوه هوه
 هوه هوه ایضا یکی از صلواتها نقلند
 که جمعی را بایندها گشودم مجرب و از نموده است بنویسد مرد با خود
 دارد یا طهر حها یا کعبه حها یا المعها یا المعها یا معکها یا
 یا الهططاطعها بسم الله الرحمن الرحیم تضرع من الله و فتح قریب و
 بسم المؤمنین یا محمد یا علی گشودم مردی فلان بن فلان را بر فرج
 فلانه بنت فلانه میرک فاذا استوتیت أنت و من معک علی
 الضلک فقل الحمد لله الذی نجینا من القوم الظالمین رب
 انزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین گشودم شهوت فلان
 بن فلان را بر فرج فلانه بنت فلانه بحق یتیم الله الرحمن الرحیم
 انما فتحنا لک فتحاً مبیناً یتیم الله الرحمن الرحیم اذ اجاء نصر الله

در این وقت که در روز چهارم است و در این وقت که در روز چهارم است...

بود و هر چند در میان شب بود از باد بود یعنی صفر او در خلاصه
التجارب بجهت تباه گفته آورده که دختر ناسیده را بگویند تا
بادام به نیت محوم بشکند بخوبی که مغز آن دوست باشد و هوا بپزد
نه بپزد و در زیر محوم گذارند علی الصباح پیش از طلوع افتاب و با کسی
تکلم نکردن بر اینها بنویسد اول بسم الله دویم بسم الله الله بسم الله
الله هر روز ناشتا مرض بگیرد بخورد شفا باید نوحه یگور
تخم مرغ در صبح چهارشنبه قبل از سخن گفتن بر آن تخم بنویسد بسم
الله جار ما الرحمن طار ما الرحیم ابر ما بتم تب فلان بن فلان
را بر او میاجت محمد رسول الله و بحق علی ولی الله و بعد از آن
در پیمانه که بیکرشته باشد طهین سه قور بر میان تخم بپزد و در
زیر خاکستر بچینه کند و زرده آنرا محوم بر روز ناشتا بخورد
و سفیده آنرا بسک چهار چشم بدهد به نیت دفع تب و
و پوستهای آنرا در آب روان قوه اندازد طهین نیت و در پیمان بر
بار و راست محوم بنده شفا باید نوحه یگور محمد بن الحسن الصفا
روایت کرده که بخدمت مولای خود امام جعفر صادق ع رفتم در
حالتی که تب داشتم آنحضرت پرسید که سبب چیست که ترا چنین
می بینم گفتم که مولای من تب دارم و فرمود هر گاه یکی از شما را

باید که در روز چهارم است و در این وقت که در روز چهارم است...

باید که در روز چهارم است و در این وقت که در روز چهارم است...

تب میکند تبها بمانند و در دو رکعت نماز کند و جانب راست
خود را بر زمین هلدوده بار بگوید یا فاطمه زینت علیها السلام و آیه الشفع
الی الله یکت فیما نزل یکت پی که شفای یابد آن طریقه دیگر آورده
شده و مشهور است این مربع را بنویسد و در زیر صاحب هلدوای کرد

Diagram with text: بسم الله الرحمن الرحیم و غیره

آما معالجته حتی اللیل یعنی تب شب ایام حینت آن
اصحاب الکفیف و الرقیم کأنوا من آیاتنا عجبا إذا رأی الفتیة
الی الکفیف فقالوا ربنا ایتنا من کذبت رحمة و هیف لنا
آخر ناول شدارا بنویسد و در زیر کسیکه تب میکند هلدوای
شود فکل در هر دو معالجه تب دبع و تب غب و تغصیر و
تب سرخ که آنرا لرز گویند اما معالجه تب ریح منقول
که این اید را بنویسد و بر او بنهند و در نسخه دیگر بر آن نوسید
بخورد یا ناز کوبی برد او سلام علی ابرهیم و ارادوا به کبیر

باید که در روز چهارم است و در این وقت که در روز چهارم است...

باید که در روز چهارم است و در این وقت که در روز چهارم است...

باید که در روز چهارم است و در این وقت که در روز چهارم است...

من الله تعالى
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين
وآله الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين

دوم نمرد شدد فرعون قارون سيم شدد فرعون نمرد شيطان
نوعد بيگر برسه پاره كاغذ نوشته هر روز بيكر اشتة بخورد اول بسم الله
اربطة دو دم بسم الله اربطة سيم بسم الله اربططنا ايضاً برسه بره انا
نوید هر روز از ريزد امن دود دهد اول جمهور دو دم جمهورات سيم
جمهورات نخته بدل اول اجمعی دو دم جمعی ات سيم جمعی مرات
ايضاً برسه پاره نان ياسيب نوید هر روز بيكر بخورد اول آلات
خفف الله عنكم وعيله ان فيكم ضعفاً دو دم پرید الله ان يخفف
عنكم وخلق الانسان ضعيفاتيم ذلك تخفيف من ربكم ايضاً برسه
عدد سيب نوشته روز بيكر ادر وقت از بخورد اول بسم الله الرحمن
الرحيم انا اعطيتك الكثر اكرن اكرن خفف الله عنكم وعيله ان فيكم
ضعفاً دو دم فصل لربك وانخر ذلك تخفيف من ربكم ورحمة سيم
ان شانتك هو اكثر وخلق الانسان ضعيفاً نوعد بيگر برسه
مغز بادام نوید هر روز سه عدد را بخورد روز اول بر سه نوشته
بسم الله قارون استشارك دود دو دم بر سه نوشته بسم الله اول
العرش دات دو زم سيم بر سه نوشته بسم الله في علم الغيب عاد
ايضاً برسه مغز بادام نوشته هر روز بتدار نشا بخورد اول طاهرين
دوم لا حول سيم يرونه ايضاً برسه مغز بادام نوشته ودر وقت

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين
وآله الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين
وآله الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين
وآله الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين
وآله الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين

امدن تب هر روز یکی را بخورد اول بسم الله ومارمیت دو دم
الرحمن اذ دعت الريح ولكن الله دعتي ايضاً بر سه عدد مغز بادام
نوید هر روز سه عدد را نشا بخورد روز اول بر بک طرف سه
مغز الرحمن بسم الله و بر طرف ديگر سه مغز سومار و دو دم بر يك
طرف سه مغز الرحمن و بر طرف ديگر و سومار دو زم سيم بر سه مغز ياد
طرف الرحمن و بر طرف ديگر و سومار ايضاً بر سه پاره نان نوید
هر روز بيكر بخورد اول قد قيرت دو دم قد قلت سيم قد قيرت ايضاً
بر سه پاره كاغذ نوشته هر روز بيكر بخورد اول ياغيوث دو دم
يا ديوث سيم يا ملوث و رحلي را حضرت صادق منقولستكه
هر كه تب كند شب اول بوزن دو درم ياسه درم بزر قوطوا بخورد و روز
ان مرض ايمن گردد از سر سام و ذات الجنه در حديث ديگر فرمود
كه فضيلت عتاب بر ساير ميوها مثل مات بر ساير مردم كه از عتاب
امير المؤمنين منقولست كه عتاب تب را ز ايل ميكند ابن ابي
انخريب گفت دیده من نابينا شد بود چيزی نمیديدم شبی
حضرت امير المؤمنين بدر خواب دیدم فرمود عتاب را بيگر و بيكوب
و در دیده بکش چون بيدار شدم عتاب را با هسته رسانيدم و در
دیده كشدم صحيح و بيناشدم و ايضاً فرمود كه نكند گری

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين
وآله الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين
وآله الطاهرين
الذين هم خيرة خلق الله تعالى
على وجه الارض والسموات
والارضين

وَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ شَرِبَ مِنْ مَاءٍ بَرٍّ طَيِّبٍ لَمْ يَأْكُلْ فِيهِ شَيْئًا مِنْ عَذَابِ النَّارِ

اللَّهُ تَعْبِيرُ الْمَوْتِ وَكَرْمَا وَرَأْسُ كَرْمَا وَرَأْسُ كَرْمَا وَرَأْسُ كَرْمَا
بِحَاوَرِدِ دَرْدَرِ كَرْمَا تَحِيكَارِ اِخْلَامِ سَهَبِ بَارُوكِيَا اِزْزَابِ رَيْبَانِ وَهَنْ
الْعَظْمِ مَبْنِي وَاشْتَعَلَ الرَّاسُ نَسِيًّا وَكَرْمَا اَكْنِ بَدْعَايَا رَيْبِ شَقِيًّا اَيْمِ
اِذْ اَوَّلِ سُوْرَةِ الْعَمْرَانِ اِلَى قَوْلِهِ صَحَّاحَاتِ هَنْ وَاَيْكَلَمَا تِ وَاَخْرَجَ مِنْهَا
مَدَّوْمَا مَدْحُوْرًا دَابُرُورِقِ اَهُوْ سَبُوْلِيْدِ بَارِيْمَا نِي بَرَسْرِيْدِ دَرْدَرِ سِرْفِ
فصل در بریدن دندون و در شقیقہ از امام محمد باقر منقول است بر آن
بفسر این ای بار کاغذ نوید و بر این نظر که در دندون می کند بیار و بر دستها بد
کلمه م بایط در اعین بالو صید لو اطلعت تیلیم لولیت منامم فرار اولت
منهم رعباً ایف بشر حد کور اللهم انت باله استحدثناه ولا یرت یحید
ذکره ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان بقات الہ تدعوه
وتعود بید متضرع الیه وتدعک ولا اعانک علی حلیقنا من احد فقل
فیک لا الہ الا انت وحدک لا شریک لک عافی فلان بن فلان وصلی اللہ
علی محمد و اهل بیتہ و در روایت دیگر چنین است اسئلت یسئل الذی
قام ببعثتک علی الماء ان یصلی علی محمد و آل محمد و ان یغنی فلان بن
فلانہ من الصداع و الشقیقہ فصرنا علی اذانہم فی الکھف سین علی
و اسئلت یسئل الذی یرحمت ادم و امنت خلقہ علی السلام
ان یصلی علی محمد و آل محمد و ان یغنی فلاننا ایف در مکارم

وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ شَرِبَ مِنْ مَاءٍ بَرٍّ طَيِّبٍ لَمْ يَأْكُلْ فِيهِ شَيْئًا مِنْ عَذَابِ النَّارِ

بجهد
لا تدری

آورده اند که شقیقہ را بانگ اهلجام و سبابه حکم گرفته این آیات بر آن خواندن
لَنْ مَنِيْمًا اَوْ يَبَادِي مِّنْ رَّايِبِ فَعَدِيَّةٍ مِّنْ صِيَامٍ اَوْ صَدَقَةٍ اَوْ
تُكَيْبِ بِيْدِ اللّٰهِ فَوْقَ اَيْدِيْمِمْ قَنْ نَّكَيْتَ فَاَتَمَّ اَكَيْتَ يَامَنَّا نَيْكُ عَلَى نَفْسِهِ
بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللّٰهُ فَيُوْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا اَمْ كُنْ سَكَنَتْ يَا وَجْهَ لَيْقِيَّةِ
الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْاَيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ التَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ اَيْضًا بِلِلهِ وَايِبِ
تِيْلًا اِزْزِعَ طُوْرِيْنَا اَعْبَدُ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ
تَنْزِيْلُ الْوَهَّابِ و این خواندن بر آن اگر تاثیر نباشد و خوش نشود بگردید دیگر
نیم خود سفید و نرم بگرد و سه مرتبه قل هو الله را بر آن خواند و بخورد
شفا یابد بخدا حمدت امام جعفر صادق از یاد شقیقہ شکایت کرد و حضرت
فرمود چون از نماز فریضه فارغ شوی انگشت سبابه دست راست را
سیان هر دو چشم با در میان دو ابرو بخورد و سه و هفت نوبت بگوید یا مئنا اشغف
بر حالیکه آن انگشت را بر روی دست میمالد یا سه بقدر آن انگشت را
بها بجا بگذارد هفت بار بگوید یا مئنا اشغف و انگشت را بر او بچسبند
و بعد از آن کف دست راست را بر میان سه و بگوید یا مئنا اشغف که ما فی
الْاَيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَاسْكُنْ
مَالِيْ اَيْضًا بِنُوْلِيْدِ بَاخُوْرِ دَارِ اَلْمَرْاِلِ اِزْزِيْلُ كَيْفَ مَدَّ الظِّلُّ لَوْرِي
شَاءَ اَجْمَلُهُ سَاكِنًا تَجَمَّلْنَا التَّمِيْعُ عَلَيْهِ دَلِيْلًا لِّمَنْ قَبَضَاهُ اَيْضًا قَبْضًا لِيْرَا

وَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ شَرِبَ مِنْ مَاءٍ بَرٍّ طَيِّبٍ لَمْ يَأْكُلْ فِيهِ شَيْئًا مِنْ عَذَابِ النَّارِ

وَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ شَرِبَ مِنْ مَاءٍ بَرٍّ طَيِّبٍ لَمْ يَأْكُلْ فِيهِ شَيْئًا مِنْ عَذَابِ النَّارِ

۱۰۶
 در روز چشم
 چشمه نوری
 در روز چشم
 چشمه نوری
 در روز چشم
 چشمه نوری

اینست با این طریق - و در بحر المنافع آورده که اگر کبیر اجتمه بد کند یا
 باشد این امور از بخال بخواند و بر پشت چشم بگذرد
 دفع کرد و آن اینست بر موی بر قار قیابا
 رقابلقابتین عدلا ایضا بجهت افان چشم
 در حدیث آمده که هر که هر روز این بجهت آن سه یا بصیر را بخواند از آن
 چشم سالم ماند هکذا اگر هر روز سه نوبت این بکفنا عنک عظامک
 بقصرک الیوم حدید و کونشاء لطنشاء علی اعینک فاستبقوا الصراط
 فانی یصون را بخواند از آن چشم سالم ماند ایضا اگر این بود با او آن
 یکاد و تبرت چشمه و آن مزر بر جامی نویسد و بشوید در شب سه کند با
 در چشم کشد از شبکوری و ضعف با صوره این کرد فصل پنجم در دفع
 درد دهان و علل آن از قلاع و جو شش و درد کام و کلو و کدن و غیره مر
 است شخصی بخت صادق نکات کرد از درد دهان و حوالی آن فرمود
 بر دهان بگذارد و بگوید اللهم الرحمن الرحیم لبم الله الذی لا یضر مع
 داء و اعود بکلمات الله الی لا یضر معها شیئ قدوسا قدوسا قدوسا
 استلک یارب یا تمک الظاهر المقدم المبارک الذی من سئل
 بیا عکیت و من دعاک بیا حبه استلک یا الله یا الله یا الله
 فصلی علی عمل النبی و اهل بیتی و ان تعافین من اجله فی قی و فی

ص	ط	ق	ا
ط	ق	ا	ص
ق	ا	ص	ط
ا	ص	ط	ق

در روز چشم
 چشمه نوری
 در روز چشم
 چشمه نوری
 در روز چشم
 چشمه نوری

۱۰۵
 در روز کامر
 در روز کامر
 در روز کامر
 در روز کامر
 در روز کامر

و اینی و فی سماعی و فی بصری و فی بطنی و فی ظهری و فی ید
 و فی رجلی و فی جمیع جوارحی کلها نوعی یکو در بحر المنافع
 بجهت درد دهان آورده از اول سوره طه تا قوله علی العرش
 استوی و انقوبید و تغلیق نماید بجهت درد روی بر آن خواند
 و بسوید باب محموده و در بر آن بشوید شفا یابد یا ایها النفس
 المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادتک
 و ادخلی جناتی یوم بیض و جوه و کتود و جوه در نسخه بود فاما
 الذین ابصت و جوه لم یفنی رحمة الله لهم فها خالی دون
 معالجها اما س لب و اما سه که از ترقیدن و غیره در لب
 همرسد و بر روغنی خواند و بدن مال دفع شود بمله فل هو
 الله شهید بنی و بنیکم انه کان یعباده خیر ابعصر ایتیکله
 الله و هو التبع العلم حی الله و یغم الریحل و لا حول ولا
 قوة الا بالله العلی العظيم در علاج درد کامر در بحر
 المنافع آورده که این ایات را بنویسد بشوید و بان اب مضمض
 نماید در لیس قال من یحیی العظام و هی ریمه الی قوله وهو
 الخلاق العلیم و که ما سکن فی الدیل و النهار و هو التبع العلم
 لكل تساءلتم و سوت و قلمون و سکن فی الدیل و النهار و هو التبع العلم

در روز چشم
 چشمه نوری
 در روز چشم
 چشمه نوری
 در روز چشم
 چشمه نوری

درد دندان در روز پنجشنبه
درد دندان در روز شنبه
درد دندان در روز یکشنبه
درد دندان در روز چهارشنبه
درد دندان در روز جمعه
درد دندان در روز اربعه
درد دندان در روز پنجشنبه
درد دندان در روز شنبه
درد دندان در روز یکشنبه
درد دندان در روز چهارشنبه
درد دندان در روز جمعه
درد دندان در روز اربعه

بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ عَمَّتْ عَلَيَّ
أَيُّهَا الرَّجْعُ بِاللَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْذِ مِنْهُمْ خَلِيلًا وَكَانَ مَوْسَى تَكَلَّمًا وَأَيُّهَا عَيْنِي
بِرُوحِ الْقُدُّوسِ وَبَعَثْ مُحَمَّدًا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ
إِلَى مُدَّةٍ حَيَوِيَّةٍ وَلَا تَقُوْدُ إِلَيْهِ لَاسْتَوْرِدَ بِدِيَارٍ مَفْضَلٍ مِنْ عِرْمَتٍ وَتَمِّتْ
بِخَدْمَتِهِ هَامِ جَعْفَرِ صَادِقٍ وَوَرِدَ دَدْنَانِ دَاخِمَتِ شَكَايَتِ بِاخْتِصَارٍ كَرِيمٍ فَمُرُودٍ
زَرِيكَ شَوْبِيْنَ بِاخْتِصَارِ نَزْدِ كِسْمِ دَمٍ وَانْكَتِ سَبَابَهُ وَأَبْرَدْنَا أَنِ كِدْدُ
سَيَّرْدُ كَدَاثَتِ وَإِنْ كَبْرُ خَوَانَدِيَةِ الْفُورِ سَاكِنِ شُدَّ فَمُرُودٍ مِفْضَلٍ
كَتَمْتُ بَلِي خَيْرِ تَبَسْمِ فَمُرُودِيْنَ كَقَتَمِ دَوْتِ مِيدَارِمْ كِهْ اِيْنَ اِصْوَرَا بِمِنْ بِيَاثِرُ
فَمُرُودِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ نَزْدِ خَيْرِ رَسُولِ رَفِيقِ وَازْدِرْدِ دَدْنَانِ شَكَايَتِ كِرْدِ
اَنْكَتِ مَبَاكَ خُودِرَا خَيْرِ بَرْدْنَانِ اَوْهَلَاوْ كَفْتِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بِسْمِ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَسْأَلُكَ بِعِرْبَتِكَ وَجَلَالِكَ وَقُدْرَتِكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ اِنْ
مَرَّتْ لَمْ تَبْلُدْ عِیْرَ عَلِيٍّ رُوحَكَ وَكَلِمَاتِكَ اَنْ تَكْفِي مَا تَلْفِي فَاطِمَةَ بِدَتْ
حَدِيْحَةً مِنْ الْقُرْآنِ كُلِّ بِسْمِ سَاكَرِ سِدْدِ رِوَاوِيْنَ جِزِيَّهٗ نِيْفُرُودِمِ اَيْضًا
اِزْ اَخْتِصَارِ مَرْوِ سَيِّدِكِ هَفْتِ بَارِ بَرَا نِ جُوَانْدِ لِيْمِ اللّٰهِ وَيَا اللّٰهُ اَنْ تُكِنَّ بِقُدْرَتِهِ
اللّٰهُ خَلَقَكَ نَاثَةً فَاذْرِ مُسْتَدِرَّ عَلَيِّكَ وَعَلَى اِجْبَالِ اَيْتِهَآ وَاَيْتِكَ
فَقَرِّحْ خَتْمَ بَابِيْ فَيَا اَمْرَةَ وَاَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاِذَا صَاحِبِ دُرِّ النُّظْمِ
اوردده که در بصره مردمی بود که دعای درد دندان میدانست و بان

درد دندان در روز پنجشنبه
درد دندان در روز شنبه
درد دندان در روز یکشنبه
درد دندان در روز چهارشنبه
درد دندان در روز جمعه
درد دندان در روز اربعه
درد دندان در روز پنجشنبه
درد دندان در روز شنبه
درد دندان در روز یکشنبه
درد دندان در روز چهارشنبه
درد دندان در روز جمعه
درد دندان در روز اربعه

درد دندان در روز پنجشنبه
درد دندان در روز شنبه
درد دندان در روز یکشنبه
درد دندان در روز چهارشنبه
درد دندان در روز جمعه
درد دندان در روز اربعه
درد دندان در روز پنجشنبه
درد دندان در روز شنبه
درد دندان در روز یکشنبه
درد دندان در روز چهارشنبه
درد دندان در روز جمعه
درد دندان در روز اربعه

مردم را معالجه میکرد و شفا مختلف نمیداد و در تعلیم آن بغایت مجل داشت
چون وفات او نزدیک شد یکی از حضار مجلس گفت که دوات و قلم بیاور تا بر
نودعای درد دندان که در اینمده مخفی میداشتم بنویسم چون میدانم که در این
وقت میروم و رانمیدارم که ایندعا بهمان بماند و مردم ازان منفع شوند
پس نوشت هر که درد دندان بجهرساند باید بردندان و اینصروف را بخوانند
اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ طَهِّصْ طَهِّصْ حَمَمَانَ اللّٰهُمَّ لا اِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ لا اِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ الْعَرِشُ الْعَظِيمُ
اَسْكُنْ بِكَ طَهِّصْ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدًا ذَكَرَكَ يَا اَسْكُنْ بِحَنِ اِيْتِنَا
لِيَكُنِ الرَّجْعُ قِيْطَلَانِ رُوَاكِدَ عَلٰى ظَهْرِهِ اَسْكُنْ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي
السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَرَبِّ الْمَنَافِعِ اورد
که این افسون بخواند و بدهن آنکرید مدد در دساکن کردد ايتها الفرس
الْمَضْرُوبُ اَنْتَ فِي الْهَيْمِ وَالْعَيْمِ جُورِ اَسْكُنْ بِحَنِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ
لِكُلِّ بِنَاءٍ مُّسْتَقَرٍّ وَسَوْفَ تَقْمُونَ اَيْضًا اوردده هر که در وقت عطش
سوره حمد را بخواند و زبانه را از طرف بیرون بگرداند و در همه عمر
درد دندان نبیند ایضا اوردده که برستون بنویسد و یا نقش کند
موافقوها و بعد از آن بر مبخ آهن هفت بار آید و آن یکبار بخواند
و آن مبخ را بر حرثی از حر وفات از کله صیرند و استوار میکند از حساب
درد سر پرسد که درد ساکن شد یا نه هر چه فریکه ساکن شد مبخ را

درد دندان در روز پنجشنبه
درد دندان در روز شنبه
درد دندان در روز یکشنبه
درد دندان در روز چهارشنبه
درد دندان در روز جمعه
درد دندان در روز اربعه
درد دندان در روز پنجشنبه
درد دندان در روز شنبه
درد دندان در روز یکشنبه
درد دندان در روز چهارشنبه
درد دندان در روز جمعه
درد دندان در روز اربعه